





Representing the Discourse of Faith, Evil, and Salvation: An Analysis of Christian Teachings in the Horror Genre Based on Discourse Analysis of the Conjuring Universe

AmirAli Ghorbani Tusanlo , Master of Social Communication Sciences, Department of Humanities, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: amiralighorbani756@gmail.com

Gholamreza Azari , Assistant Professor, Department of Social Sciences, Communication and Media, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: azarigh2012@gmail.com

Extended Abstract

The horror genre has long served as a fertile ground for exploring questions of metaphysics, morality, and the unseen forces that shape human experience. Within this domain, *The Conjuring Universe* stands out as one of the most influential contemporary franchises that not only revitalizes supernatural horror but also embeds within its narratives a complex set of Christian theological motifs. This research, drawing upon the frameworks of discourse analysis and cultural semiotics, investigates how Christian teachings-particularly those concerning evil, salvation, faith, and spiritual authority-are represented, circulated, and normalized within the *Conjuring* film series. By employing the theoretical perspectives of Michel Foucault on power/knowledge, Norman Fairclough's critical discourse analysis, and film semiotics, the study examines how religious discourse operates within modern horror cinema and how it shapes viewers' perceptions of the relationship between fear and faith in a postmodern cultural context.

The central aim of the study is to answer the following question: What discourses regarding the interaction between faith and fear are constructed through the portrayal of Christian rituals, demonology, and spiritual warfare in the *Conjuring Universe*? To address this, the research analyzes the narrative structures, character archetypes, visual symbolism, and auditory design of the films, situating them within broader cultural narratives about religion, secularism, and the crisis of spiritual meaning in contemporary society. Through this approach, the study reveals that the *Conjuring Universe* does not merely deploy Christian imagery as a storytelling device; rather, it constructs a coherent religious discourse that functions to reaffirm the authority of faith in the face of modern skepticism.

The findings indicate that the films consistently rely on the dualistic opposition of good versus evil, wherein Satanic forces are depicted as real, immediate, and omnipresent threats to the human world. This dichotomy serves as a

cornerstone of the films' Christian discourse, positioning faith, divine protection, and religious knowledge as the primary means of overcoming supernatural evil. Through Foucault's lens, the films can be interpreted as reasserting the authority of religious institutions by framing spiritual knowledge as a specialized power accessible only to certain figures—such as exorcists, priests, or spiritually gifted individuals. In this way, *The Conjuring* series reinstates a hierarchical structure of religious authority within a secular age.

Another significant discourse illuminated by the study concerns the portrayal of the female body. Across multiple films in the franchise, women and girls become central sites of possession, spiritual vulnerability, and demonic intervention. This recurring narrative structure, when analyzed semiotically, positions the female body as a symbolic battlefield where the forces of good and evil contest power. The films thereby reproduce long-standing Christian-cultural associations between femininity, purity, temptation, and spiritual danger. Moreover, through Fairclough's critical discourse lens, such representations contribute to the normalization of gendered spiritual narratives, subtly reinforcing traditional Christian views on morality, domesticity, and spiritual susceptibility.

The research also emphasizes the role of cinematic techniques—such as chiaroscuro lighting, the interplay of silence and sudden sonic ruptures, religious iconography, and spatial symbolism—in binding the emotional experience of fear to the affirmation of faith. Horror, in this context, becomes not only a source of terror but also a pathway to spiritual reflection. The films craft an aesthetic where divine presence is often revealed at the threshold of maximum fear, implying that proximity to terror can become a catalyst for rediscovering the sacred. This aesthetic structure supports the broader argument that the *Conjuring* Universe functions as a cultural medium through which the sacred is reintroduced in a postmodern world characterized by fragmentation, relativism, and declining institutional religiosity.

Ultimately, the study concludes that the *Conjuring* Universe does more than entertain; it participates in a contemporary rearticulation of Christian discourse. By dramatizing spiritual warfare and positioning religious rituals—especially exorcism—as effective, necessary, and authoritative, the films symbolically counteract secular explanations of evil, trauma, and psychological distress. This symbolic work enables the films to reassert Christianity's relevance in addressing existential anxieties that persist in modern life. Therefore, the *Conjuring* series can be understood as a cinematic space where the sacred re-emerges, not despite the horror, but through it. The genre becomes a liminal arena in which viewers confront questions of belief, morality, and metaphysical order, suggesting that horror cinema may serve as one of the few remaining cultural platforms in which religious discourse retains both narrative power and emotional resonance.

Keywords: The *Conjuring* Universe, Critical Discourse Analysis, Horror Cinema, Religious Semiotics, Discourse of Power.



بازنمایی گفتمان ایمان، شر و رستگاری: واکاوی آموزه‌های مسیحی در ژانر وحشت بر اساس تحلیل گفتمانی مجموعه فیلم‌های احضار

امیرعلی قربانی توسنلو^۱ ID، غلامرضا آذری^۲ ID

چکیده

ژانر وحشت یکی از ژانرهای پرچالش و در عین حال پرتطرفدار سینمایی است که توانسته است مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند. این مقاله به بررسی بازنمایی آموزه‌های مسیحی در مجموعه فیلم‌های احضار از منظر تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی فرهنگی می‌پردازد. با تکیه بر نظریه‌های میشل فوکو (قدرت/دانش)، نورمن فرکلاف (تحلیل گفتمان انتقادی)، و نشانه‌شناسی فیلم، این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه این فیلم‌ها مفاهیمی مانند شیطان، نجات، ایمان، و تقدس را در قالب ژانر وحشت بازتولید می‌کنند. پرسش اصلی این است که این بازنمایی‌ها چه گفتمان‌هایی درباره رابطه ایمان و ترس در دنیای مدرن شکل می‌دهند. یافته‌ها حاکی از آن است که احضار با تأکید بر دوگانه‌های خیر/شر، بدن زنانه به عنوان عرصه نبرد معنوی، و آیین‌های دینی مانند جن‌گیری، گفتمان سنتی مسیحیت را در تقابل با سکولاریسم تقویت می‌کند. همچنین، این فیلم‌ها از طریق ابزارهای سینمایی (نورپردازی، موسیقی، نمادگرایی) تجربه ترس را به تجربه ایمان گره می‌زنند. این پژوهش نشان می‌دهد که ژانر وحشت می‌تواند به مثابه رسانه‌ای برای بازگشت امر قدسی در فرهنگ پسامدرن عمل کند.

واژگان کلیدی

مجموعه احضار، تحلیل گفتمان انتقادی، سینمای وحشت، نشانه‌شناسی مذهبی، گفتمان قدرت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

۱. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم انسانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

amiralighorbani756@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)، تهران، ایران.

azarigh2012@gmail.com

مقدمه

سینمای وحشت^۱ همواره پیوندی ناگسستنی با گفتمان‌های دینی داشته است. در فرهنگ غرب، آموزه‌های مسیحی به ویژه مفاهیمی مانند شیطان، گناه و رستگاری به کرات در ژانر ترسناک بازنمایی شده‌اند. مجموعه فیلم‌های احضار^۲ به دلیل موفقیت تجاری و تأثیر فرهنگی گسترده، نمونه‌ای بارز از این پیوند است. این مقاله با روش تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی، به واکاوی چگونگی بازنمایی ایمان و شر در این فیلم‌ها می‌پردازد.

سینمای وحشت همواره آینه‌ای از عمیق‌ترین ترس‌ها و دغدغه‌های فرهنگی بشر بوده است (Bivins, 2008). در این میان، ژانر وحشت دینی با تلفیق مفاهیم مذهبی و هراس‌های وجودی، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای پیدا کرده است. مجموعه فیلم‌های «احضار» به عنوان یکی از موفق‌ترین فرنچایزهای این ژانر، نمونه‌ای بارز از این تلفیق محسوب می‌شود که هم از نظر تجاری موفق بوده و هم تأثیر فرهنگی عمیقی بر جای گذاشته است (Doiron, 2023). این آثار با بهره‌گیری از پرونده‌های واقعی اد و لورین وارن، مرز بین واقعیت و خیال را محو کرده‌اند.

در دنیای امروز که نهادهای سنتی دین نفوذ سابق را ندارند، سینما به عرصه‌ای برای بازتعریف مفاهیم دینی تبدیل شده است (Morărașu & Culea, 2024). مجموعه «احضار» با استفاده از نمادها و آیین‌های مسیحی، گفتمان سنتی کلیسا را در قالبی جدید و جذاب ارائه می‌دهد. این فیلم‌ها نه تنها به دنبال ترساندن مخاطب هستند، بلکه نوعی تجربه شبه‌دینی خلق می‌کنند که در آن ترس و تقدس درهم می‌آمیزند. چنین رویکردی نیاز معنوی انسان معاصر را در قالبی مدرن پاسخ می‌دهد.

از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی، «احضار» شبکه‌ای پیچیده از نمادها و معانی را به نمایش می‌گذارد (Nakamura, 2024). صلیب، آب مقدس، دعاها و مراسم جن‌گیری، همگی به عناصری نمادین تبدیل شده‌اند که هم کارکرد دراماتیک دارند و هم بار معنایی عمیق مذهبی. این نمادها در کنار تکنیک‌های سینمایی مانند نورپردازی تاریک و موسیقی آوازی، فضایی منحصر به فرد خلق می‌کنند که هم ترسناک است و هم تقدس‌آمیز. چنین تلفیقی، زبان بصری جدیدی در سینمای وحشت دینی ایجاد کرده است.

1. Horror movie
2. The Conjuring Universe



شکل ۱. نمایی از سکانس فیلم احضار ۱ در مراسم جن‌گیری

نظریه‌های گفتمان به ویژه آرای فوکو^۱ (۱۹۷۵) و فرکلاف^۲ (۱۹۹۵) ابزارهای تحلیلی ارزشمندی برای بررسی این فیلم‌ها ارائه می‌دهند. از این منظر، «احضار» صرفاً یک محصول سرگرمی‌ساز نیست، بلکه نظامی گفتمانی است که دانش خاصی درباره شیطان، نجات و بدن تولید می‌کند. این فیلم‌ها از طریق روایت‌های خود، حقیقت‌هایی درباره جهان طبیعی و ماوراءطبیعی می‌سازند و تثبیت می‌کنند. تحلیل این سازوکارهای گفتمانی می‌تواند نشان دهد که چگونه قدرت در این آثار اعمال می‌شود.



شکل ۲. نمایی از سکانس فیلم احضار ۲ به تصویر کشیدن قدرت صلیب

سینمای وحشت به‌ویژه در غرب، همواره با گفتمان‌های دینی، به‌خصوص مسیحیت، پیوندی ناگسستنی داشته است. این ژانر نه‌تنها به‌منظور ایجاد ترس، بلکه برای بازتولید مفاهیم الهیاتی مانند گناه، شیطان، و رستگاری به کار رفته است (Bivins, 2008). در این میان، مجموعه فیلم‌های احضار به‌دلیل تأکید بر روایت‌های مبتنی بر شکار شیاطین و آیین‌های جن‌گیری، نمونه‌ای بارز از تلفیق ترس و ایمان محسوب می‌شوند. این فیلم‌ها با استفاده از نمادهای مذهبی مانند صلیب، آب مقدس، و دعا، گفتمان سنتی کلیسا را در تقابل با نیروهای اهریمنی به تصویر می‌کشند (Doiron, 2023). یکی از جنبه‌های قابل توجه در این فیلم‌ها، نمایش بدن به‌ویژه بدن زنانه به‌عنوان عرصه‌ای برای نبرد میان خیر و شر است. این بازنمایی نه‌تنها بازتابی از ترس‌های تاریخی از زن به‌مثابه موجودی تسخیرپذیر است، بلکه گفتمان‌های مردسالارانه را نیز تقویت می‌کند (Slanker, 2017). در واقع، احضار با بهره‌گیری از مفاهیم مسیحی، بدن را به صحنه‌ای برای جنگ معنوی تبدیل می‌کند، جایی که ایمان تنها سلاح ممکن در برابر شیطان تصویر می‌شود (Nakamura, 2024).

از سوی دیگر، این فیلم‌ها در بستر فرهنگی پسامدرن، به‌عنوان پاسخی به بحران معنویت در عصر سکولار عمل می‌کنند. در شرایطی که نهادهای دینی نفوذ سنتی خود را از دست داده‌اند، ژانر وحشت با ارائه تجربه‌ای عاطفی و ترس‌آلود، نوعی بازگشت به امر قدسی را ممکن می‌سازد (Morărașu, & Culea, 2024). این مسئله به‌ویژه در فیلم‌هایی مانند احضار مشهود است، جایی که ترس نه‌تنها به‌عنوان ابزار سرگرمی، بلکه به‌مثابه دریچه‌ای برای تجربه دینی بازتعریف می‌شود (Nelson, 2022). با این حال، نقدی که به این بازنمایی‌ها وارد است، تقویت گفتمان‌های دوگانه‌انگارانه و گاه افراطی است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فیلم‌هایی مانند احضار با نمایش شیطان به‌عنوان نیرویی مطلق و تخریب‌گر، دیدگاهی سیاه‌وسفید از جهان ارائه می‌دهند که می‌تواند به تقویت ترس‌های جمعی و حتی توجیه خشونت‌های دینی بینجامد (Phillips, & Brockway, 2025). این مسئله به‌ویژه در بستر سیاسی معاصر، که در آن گفتمان‌های مذهبی و ایدئولوژیک به شدت قطبی شده‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.



شکل ۳. نمایی از فیلم احضار ۱ در مراسم دعا خواندن

از منظر گفتمانی، مجموعه «احضار» با بازسازی تقابل کلاسیک خیر و شر، به بازتولید یک نظام معنایی خاص می‌پردازد که در آن کلیسا و نمادهایش به عنوان تنها مرجع مشروع مقابله با شر معرفی می‌شوند. این بازنمایی، نه تنها دانشی دربارهٔ ماوراءالطبیعه تولید می‌کند، بلکه روابط قدرت بین نهاد دین، خانواده و فرد تسخیرشده را نیز بازمی‌آفریند و تثبیت می‌نماید. در این چارچوب، پیکره اصلی ایمان نه از طریق عقلانیت، بلکه از طریق آزمون‌های ترسناک و معجزات عینی به مخاطب عرضه می‌شود.

در بستر فرهنگ تصویری معاصر، این فیلم‌ها با ارائه «پرونده‌های واقعی»، ادعای حقیقت‌نمایی داشته و مرز بین اسناد تاریخی و خیال‌پردازی سینمایی را مخدوش می‌کنند (Doiron, 2023). این استراتژی، به گفتمان ارائه‌شده مشروعیتی ویژه می‌بخشد و ترس را از عرصه تخیل به زندگی روزمره مخاطب منتقل می‌سازد. در نتیجه، تجربه تماشاگر تنها به یک سرگرمی محدود نمانده و به نوعی تمرین معنوی در مواجهه با شر تبدیل می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که احضار تنها یک فرنچایز ترسناک نیست، بلکه رسانه‌ای است برای بازتولید و بازتعریف مفاهیم دینی در عصر جدید. این فیلم‌ها از یک سو به بازگشت امر مقدس در فرهنگ عامه کمک می‌کنند و از سوی دیگر، پرسش‌هایی اساسی درباره رابطه ایمان و ترس، قدرت و نجات، و بدن و روح مطرح می‌سازند (Toulassi, 2025). بررسی این مفاهیم نه تنها درک ما را از سینمای وحشت عمیق‌تر می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها می‌توانند به بازتعریف دین در جهان معاصر بپردازند.

با وجود این پیشینه پژوهشی، هنوز خلاء مطالعاتی محسوسی در تحلیل جامع گفتمان‌های دینی در سینمای وحشت به چشم می‌خورد. بسیاری از پژوهش‌های داخلی موجود یا به جنبه‌های فنی آثار پرداخته‌اند یا صرفاً به تحلیل محتوای دینی اکتفا کرده‌اند. این در حالی است که مجموعه «احضار» به عنوان یک پدیده فرهنگی پیچیده، نیازمند تحلیلی چندبعدی است که هم به مؤلفه‌های سینمایی و هم به ابعاد گفتمانی و الهیاتی آن توجه کند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این خلاء، رویکردی نوین در تحلیل این آثار ارائه می‌دهد.

پیشینه پژوهش

الف) پژوهش‌های داخلی

قربانی توسنلو و آذری (۱۴۰۴) در پژوهشی با موضوع تحلیل بازنمایی فویا‌های بنیادین در تاریخ بشر: بررسی روانشناختی نمادها در مجموعه فیلم‌های احضار در ژانر وحشت پرداخته است. در ادامه به مجموعه فیلم‌های «احضار» نه تنها به عنوان یک اثر ترسناک موفق شناخته می‌شود، بلکه به تصویر کشیدن ترس‌ها و فویا‌های بنیادی انسانی نیز

پرداخته است. این پژوهش به بررسی چگونگی نمایش فوبیاهای بنیادین در این مجموعه فیلم‌ها می‌پردازد و تأثیر آن‌ها بر بیننده را تحلیل می‌کند. با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی با رویکرد نشانه‌شناختی بارت از نوع اکتشافی و تفسیرمحور با بکارگیری از نظریه‌های روان‌شناسی پرداخته شده است. تمرکز اصلی پژوهش بر رمزگشایی از نشانه‌های بصری، گفتاری و روایی است که به‌گونه‌ای نمادین، ترس‌های بنیادین انسان را به تصویر می‌کشند. جامعه مورد مطالعه، تمامی قسمت‌های منتشرشده از این مجموعه است. واحد تحلیل، سکانس‌های سینمایی هستند که حاوی نشانه‌های مرتبط با فوبیاهایی همچون ترس از عروسک، تاریکی، تنهایی، آب، درد، و ترس‌های اساطیری / مذهبی‌اند. برای گردآوری داده‌ها، فیلم‌ها به‌طور مکرر مشاهده، سکانس‌بندی، و سپس نشانه‌ها یادداشت برداری و کدگذاری شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه این فوبیاهای ترس‌های جمعی را نمایان می‌کنند، بلکه می‌توانند تجربه تماشاگران را تحت تأثیر قرار دهند و آن‌ها را به تأمل در مورد ترس‌های شخصی خود دعوت کنند. بدین ترتیب، این پژوهش به درک عمیق‌تری از ارتباط میان ترس، سینما و روان‌شناسی انسان کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه هنر می‌تواند آینه‌ای برای بازتاب ترس‌ها و چالش‌های بنیادین زندگی باشد.

رحمانی و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با تمرکز بر انیمیشن‌های ترسناک، به بررسی تکنیک‌های بصری مانند فتوژنی و تأثیر آن بر ایجاد حس تعلیق و غافلگیری پرداخته‌اند. این تحقیق که در دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات هنر ارائه شده، با تحلیل ابعاد روان‌شناختی و بصری آثار ترسناک، بینش‌های ارزشمندی درباره مکانیسم‌های ایجاد ترس در رسانه‌های تصویری ارائه می‌دهد که می‌تواند برای تحلیل تکنیک‌های سینمایی در مجموعه «احضار» نیز مفید باشد.

ابوالحسنی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی تصویر جهان پس از مرگ در سینمای وحشت از منظر ادیان مختلف پرداخته‌اند. این مطالعه با مقایسه نگرش‌های دینی به زندگی پس از مرگ و بازنمایی آن در ژانر وحشت، چارچوبی تطبیقی برای تحلیل مفاهیم متافیزیکی در آثار سینمایی فراهم می‌آورد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به درک بهتر نحوه بازنمایی مفاهیمی مانند روح، شیطان و نجات در مجموعه «احضار» کمک کند.

وحیدنیا و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش روح القدس در تاسیس کلیسای متقدم و برساخت هویت دینی مسیحی» به بررسی مفاهیم الهیاتی در متون عهد جدید پرداخته‌اند. این مطالعه اگرچه مستقیماً به سینما نمی‌پردازد، اما چارچوب نظری ارزشمندی برای تحلیل بازنمایی مفاهیم مسیحی مانند روح القدس، نجات و هویت دینی در آثار رسانه‌ای مانند مجموعه «احضار» ارائه می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم دینی می‌توانند در شکل‌دهی به گفتمان‌های فرهنگی مؤثر باشند.

ب) پژوهش‌های خارجی

فیلیپس و براکوی (۲۰۲۵) در اثر خود به تحلیل گسترش شیطان‌شناسی^۱ ضدلیبرال در رسانه‌ها، دین و سیاست آمریکا پرداخته‌اند. این پژوهش برای درک بستر فرهنگی‌ای که فیلم‌هایی مانند «احضار» در آن تولید و مصرف می‌شوند، اهمیت ویژه‌ای دارد. تولاسی (۲۰۲۵) در پژوهش خود به بررسی راه‌های مقابله با ترس از ارواح خبیثه در میان مسیحیان آفریقایی پرداخته است. این مطالعه اگرچه مستقیماً به سینما نمی‌پردازد، اما برای فهم تأثیر باورهای فراطبیعی بر جوامع مذهبی و بازتاب آن در رسانه‌ها مفید است.

موراراشو و کولیا (۲۰۲۴)، در پژوهشی به تحلیل گفتمان‌های دینی در نقدهای فیلم پرداخته‌اند. آنها نشان داده‌اند که چگونه زبان رنج و رستگاری در توصیف فیلم‌های ترسناک با مضامین مذهبی به کار گرفته می‌شود و چه تأثیری بر دریافت مخاطبان دارد. این مطالعه برای فهم نحوه تفسیر عمومی این آثار مفید است.

ناکامورا (۲۰۲۴)، در مقاله خود به بررسی ساخت فضاهای نمادین دینی و ایجاد ترس روانی در مجموعه «احضار» پرداخته است. این پژوهش از منظر نشانه‌شناسی سینمایی تحلیل می‌کند که چگونه عناصر بصری و صوتی در این فیلم‌ها برای ایجاد حس تقدس و ترس توأمان به کار گرفته شده‌اند.

مطالعه دویرون (۲۰۲۳) با تمرکز بر مجموعه «احضار»، تأثیر ملی‌گرایی مسیحی و تروپ‌های وحشت را بر این فیلم‌ها بررسی کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه این فیلم‌ها مفاهیم دینی را با ایدئولوژی‌های سیاسی خاصی درهم می‌آمیزند و گفتمان‌های جدیدی می‌سازند که هم جنبه سرگرمی‌ساز و هم تبلیغاتی دارد.

نلسون (۲۰۲۲)، در کتاب خود با عنوان «تسخیر شده»، فیلم‌های ترسناک جدید را در چارچوب نئولیبرالیسم بررسی کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم دینی و به ویژه تصویر شیطان در سینمای معاصر بازتعریف می‌شوند تا با شرایط اجتماعی-اقتصادی جدید همخوانی یابند.

اسلنکر (۲۰۱۷)، در مطالعه خود به تحلیل بازنمایی تسخیر و فروپاشی ساختارهای مردسالارانه در فیلم‌های ترسناک معاصر پرداخته است. این پژوهش به ویژه برای فهم بازنمایی جنسیت در مجموعه «احضار» که در آن بدن زنانه عرصه نبرد نیروهای خیر و شر می‌شود، حائز اهمیت است.

در حوزه مطالعات سینمای وحشت و بازنمایی مفاهیم دینی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. بیوینز (۲۰۰۸) در کتاب «دین ترس» به بررسی سیاست‌های وحشت در انجیل‌گرایی محافظه‌کار پرداخته و نشان داده است که چگونه ترس به عنوان ابزاری برای تبلیغ و تثبیت باورهای دینی به کار گرفته می‌شود. این مطالعه چارچوب نظری ارزشمندی برای تحلیل گفتمان‌های دینی در ژانر وحشت ارائه می‌دهد.

با وجود این پیشینه پژوهشی، هنوز خلاء مطالعاتی محسوسی در تحلیل جامع گفتمان‌های دینی در سینمای وحشت به چشم می‌خورد. بسیاری از پژوهش‌های داخلی موجود یا به جنبه‌های فنی آثار پرداخته‌اند یا صرفاً به تحلیل محتوای دینی اکتفا کرده‌اند. این در حالی است که مجموعه «احضار» به عنوان یک پدیده فرهنگی پیچیده، نیازمند تحلیلی چندبعدی است که هم به مؤلفه‌های سینمایی و هم به ابعاد گفتمانی و الهیاتی آن توجه کند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این خلاء و با بهره‌گیری از چارچوب نظری تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی، رویکردی نوین در تحلیل این آثار ارائه می‌دهد.

جمع‌بندی پیشینه و جنبه نوآوری پژوهش

پژوهش‌های پیشین در حوزه سینمای وحشت دینی، رویکردهای متنوعی را در تحلیل رابطه میان مفاهیم مذهبی و ژانر ترسناک ارائه کرده‌اند. مطالعاتی مانند کار بیوینز (۲۰۰۸) و دویرون (۲۰۲۳) بیشتر بر جنبه‌های ایدئولوژیک و سیاسی این رابطه تمرکز داشته‌اند، در حالی که تحقیقات ناکامورا (۲۰۲۴) و اسلنکر (۲۰۱۷) به تحلیل نشانه‌شناختی و جنسیتی آثار پرداخته‌اند. این مطالعات اگرچه ارزشمند هستند، اما عمدتاً به بررسی جداگانه ابعاد مختلف پرداخته‌اند و کمتر به تعامل پیچیده این عناصر در یک چارچوب تحلیلی یکپارچه توجه نشان داده‌اند. مطالعات ایرانی مانند پژوهش وحیدنیا و همکاران (۱۴۰۱) و ابوالحسنی و همکاران (۱۴۰۳) عمدتاً بر مفاهیم نظری دینی یا تحلیل فنی آثار متمرکز بوده‌اند. این تحقیق با پیوند دادن این دو حوزه و به کارگیری چارچوب‌های نظری بین‌رشته‌ای، گامی فراتر از پژوهش‌های پیشین برمی‌دارد. همچنین، برخلاف پژوهش‌هایی مانند کار رحمانی و همکاران (۱۴۰۳) که به انیمیشن‌های ترسناک پرداخته‌اند، این مطالعه به طور خاص بر سینمای زنده و ویژگی‌های منحصر به فرد آن در بازنمایی مفاهیم دینی تمرکز دارد.

نوآوری این پژوهش در تلفیق سه رویکرد اصلی تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی سینمایی و مطالعات دینی است که امکان درک چندبعدی از مجموعه «احضار» را فراهم می‌آورد. در حالی که پژوهش‌هایی مانند کار نلسون (۲۰۲۲) و فیلیپس و براکوی (۲۰۲۵) به زمینه‌های اجتماعی سیاسی تولید این فیلم‌ها پرداخته‌اند، این تحقیق با ترکیب تحلیل متنی و فرامتنی، به بررسی همزمان سازوکارهای درون‌متنی و تأثیرات فرامتنی می‌پردازد. چنین رویکردی امکان درک جامع‌تری از نحوه کارکرد گفتمان‌های دینی در سینمای عامه‌پسند را فراهم می‌کند. جنبه نوآورانه دیگر این پژوهش، بررسی مجموعه «احضار» به عنوان یک پدیده جهانی است که هم بازتاب دهنده گفتمان‌های محلی مسیحیت آمریکایی است و هم با مخاطبان بین‌المللی ارتباط برقرار می‌کند. این رویکرد مقایسه‌ای که در کارهای پیشین کمتر دیده شده، امکان درک چگونگی انتقال و تغییر معنای گفتمان‌های دینی در بافت‌های فرهنگی مختلف را فراهم می‌آورد. چنین

تحلیلی می‌تواند الگویی برای مطالعات آینده درباره سینمای دینی ترسناک در سایر فرهنگ‌ها ارائه دهد.

اهداف پژوهش

این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت و ضرورت بیان شده، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

هدف اصلی

واکاوی و تحلیل گفتمان حاکم بر مجموعه فیلم‌های «احضار» در بازنمایی مفاهیم بنیادین ایمان، شر و رستگاری بر اساس آموزه‌های مسیحی.

اهداف فرعی

در راستای دستیابی به هدف اصلی، اهداف فرعی زیر تعریف می‌شوند:

۱. شناسایی و تحلیل نشانه‌ها، نمادها و آیین‌های مسیحی (مانند صلیب، آب مقدس، دعا و مراسم جن‌گیری) و چگونگی کاربرد آن‌ها در ساختن فضای دینی-ترسناک فیلم‌ها؛
۲. بررسی چگونگی بازتعریف مفاهیم دینی سنتی (مانند شیطان، گناه، نجات و نقش کلیسا) در قالب رسانه سینما و متناسب با ذائقه مخاطب مدرن؛
۳. تحلیل سازوکارهای گفتمانی (بر اساس آرای نظریه‌پردازانی مانند فوکو و فرکلاف) که از طریق این فیلم‌ها در جهت تولید و تثبیت «حقیقت» خاصی درباره جهان طبیعی و ماوراءطبیعی عمل می‌کنند؛
۴. تبیین چگونگی تلفیق ترس و تقدس در این آثار برای خلق یک «تجربه شبه‌دینی» و پاسخ به نیازهای معنوی انسان معاصر؛
۵. بررسی نقش تکنیک‌های سینمایی (نورپردازی، موسیقی، صداگذاری و تصویربرداری) در تقویت و انتقال گفتمان دینی مورد نظر فیلمساز.

روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی و نشانه‌شناسی فرهنگی به بررسی مجموعه فیلم‌های «احضار» می‌پردازد. رویکرد تحلیلی این تحقیق ترکیبی است از نظریه‌های گفتمان فوکو، فرکلاف و لاکلاو و موفه که امکان بررسی لایه‌های مختلف معنایی در متون سینمایی را فراهم می‌سازد. در این روش، هم به تحلیل محتوای گفتمانی فیلم‌ها پرداخته می‌شود و هم عناصر نشانه‌شناختی مانند نورپردازی، ترکیب‌بندی تصویر و موسیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌های این پژوهش شامل تمامی فیلم‌های اصلی مجموعه «احضار ۱، ۲ و ۳» و فیلم‌های جانبی مرتبط «راهبه» و «آنا بل»^۱ می‌باشد که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها، مشاهده دقیق و مکرر فیلم‌ها با تمرکز بر صحنه‌های کلیدی حاوی مضامین دینی و

1. The Nun
2. Annabelle

ترسناک است. همچنین از تکنیک‌های تحلیل فریم به فریم برای بررسی دقیق‌تر عناصر دیداری و شنیداری استفاده شده است.

در مرحله تحلیل، ابتدا گفتمان‌های غالب در فیلم‌ها شناسایی و سپس با استفاده از چارچوب نظری پژوهش مورد تفسیر قرار گرفته‌اند. این فرایند شامل سه سطح تحلیل متنی (بررسی دیالوگ‌ها و نمادها)، تحلیل فرایند تولید (شرایط ساخت و انتشار فیلم‌ها) و تحلیل اجتماعی (تأثیرات فرهنگی و مذهبی) بوده است. برای افزایش اعتبار پژوهش، از تکنیک مثلث‌سازی در استفاده از منابع مختلف نظری و روش‌های تحلیلی بهره گرفته شده است.

این پژوهش با رویکردی کیفی و راهبرد مطالعه موردی به تحلیل مجموعه فیلم‌های احضار می‌پردازد. روش اصلی تحقیق، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است که با نشانه‌شناسی بارت به عنوان روشی مکمل تلفیق شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه فیلم‌های فرانچایز جهان احضار بوده و با نمونه‌گیری هدفمند، سه فیلم احضار (۲۰۱۳)، احضار ۲ (۲۰۱۶) و جن گیر (۲۰۱۸) به عنوان نمونه‌های اصلی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مشاهده ساختاریافته و پروتکل طراحی شده برای سکانس‌های کلیدی گردآوری شد.

تحلیل داده‌ها در سه لایه صورت پذیرفت. در لایه اول، تحلیل نشانه‌شناختی نمادهای بصری، صوتی و روایی بر اساس نظریه بارت انجام شد. لایه دوم به تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس مدل سه‌بعدی فرکلاف (متن، فرایند تولید و مصرف، و کنش اجتماعی) اختصاص یافت. در لایه سوم، ساختار روایی فیلم‌ها بر اساس الگوهای روایت‌شناسی تحلیل گردید تا چگونگی پیش‌رانش گفتمان مذهبی از طریق داستان بررسی شود.

برای افزایش اعتبار پژوهش از روش تثلیث (استفاده از چند روش تحلیل) و بازبینی هم‌تایان بهره گرفته شد. پایایی تحقیق نیز از طریق طراحی پروتکل مشاهده و کدگذاری شفاف و دقیق تضمین گردید. این چارچوب روش‌شناختی امکان تحلیل جامع‌تری از ابعاد گفتمانی و نشانه‌شناختی فیلم‌ها را فراهم می‌آورد.

تعریفی از ژانر وحشت در سینما

فیلم ترسناک، فیلمی است که واکنش‌های روانی و احساسی، از قبیل افزایش ضربان قلب و القای حس وحشت را در مخاطب خود برمی‌انگیزد. این فیلم‌ها، از آثار نویسندگانی چون ادگار آلن پو^۱، برام استوکر^۲ و ماری شلی^۳ الهام گرفته‌اند. امیال شیطانی و اتفاقات غیر طبیعی، از مضامین رایج این فیلم‌ها هستند. ژانر وحشت، وجوه مشترکی با ژانرهای فانتزی، هیجان‌انگیز و داستان‌های ماورایی دارد. فیلم‌های ترسناک با کابوس‌ها، وحشت‌ها، موضوعات نفرت‌انگیز و ترس همگانی از عوامل ناشناخته

1. Edgar Allen Poe
2. Bram Stoker
3. Mary Shelley

سر و کار دارند. داستان فیلم‌های ترسناک، درباره یک موجود یا اتفاق شیطانی است که زندگی روزمره را مختل می‌کند. از المان‌های رایج فیلم‌های ترسناک، می‌توان به اشباح، بیگانگان فضایی، خون آشامان، گرگینه‌ها، شیاطین، شیطان پرستی، خون و خونریزی، شکنجه، موجودات وحشی، جادوگران شیطان صفت، هیولاها، زامبی‌ها، آدم خواری، بیماران روانی، بلایی طبیعی یا ساخت دست بشر و قاتلین زنجیره‌ای اشاره کرد. از زیرشاخه‌های ژانر ترسناک، می‌توان به اکشن ترسناک، کمدی ترسناک، سینمای ترسناک بدنی، سینمای فاجعه‌ای ترسناک، سینمای ترسناک زمان تعطیلات، درام ترسناک، ترسناک روان شناختی، ترسناک علمی تخیلی، ترسناک اسلشر، ترسناک ماورایی، ترسناک گاثیک، ترسناک طبیعی، فیلم زامبی، ترسناک اول شخص و ترسناک نوجوانانه اشاره کرد.



شکل ۴. نمایی از فیلم زامبی محور «شب مردگان زنده»^۱

تاریخچه ژانر وحشت

فیلم‌های ژانر ترسناک با دستمایه‌های آزار دهنده و تاریک، می‌کوشند در تماشاگر خود احساس ترس، وحشت، نفرت، شوک و تعلیق را برانگیزند و موجب هراس او شوند. در فیلم‌های این ژانر آرامش و حالت طبیعی جامعه با تهدید یک عامل بیرونی و عمدتاً ناشناخته برهم می‌ریزد. نوئل کرول فیلسوف مدرن آمریکایی در کتاب مشهور خود «فلسفه وحشت یا دوگانگی‌های درون» می‌نویسد: حس دافعه و بی‌زاری می‌تواند به لذت منتهی شود و این نکته‌ای است که در میان توده مخاطبان فیلم‌های ترسناک به خوبی به چشم می‌خورد (قربانی توسنلو و آذری، ۱۴۰۴). حوالی سال ۱۹۱۳ صنعت

1. Night of the Living Dead(1968)

تصاویر متحرک هالیوود موضوعاتی چون مجرمان فراری، سرخ پوستان قاتل، سیاهان عصیانگر و مست‌های ولگرد را ترسناک قلمداد می‌کرد. از این دوره تا اوایل دهه ۱۹۳۰ تعداد فیلم‌هایی که واقعا بتوان آن‌ها را ترسناک دانست زیاد نبود. اما پس از «دراکولا»، استقبال مخاطبان، به مرور فیلم‌های ترسناک زیاد شدند تا در دهه ۴۰ ژانر وحشت به یکی از رویکردهای غالب سینمای هالیوود بدل شد. از همان زمان الگوهای روایتی متعددی در این گونه سینمایی شکل گرفتند و در طول زمان تقویت شدند.



شکل ۵. نمایی از دراکولا در فیلم نوسفراتو: سمفونی وحشت^۱

ادبیات وحشت و ادبیات گوتیک منبع و سرچشمه روایی ژانر ترسناک به شمار می‌روند و قصه‌های تیره‌وتار ادگار آلن پو، مری شلی و برام استوکر نقش پررنگی در شکل‌گیری ژانر وحشت در سینما داشته است. ردپای این روایت ترس را می‌توان در سینمای صامت و کمی بعد در سینمای اکسپرسیونیسم آلمان یافت؛ اما تا سال ۱۹۳۱ و تولید و نمایش عمومی فیلم «دراکولا»، ژانر وحشت به عنوان یک گونه‌ای مشخص و قابل تعریف در سینما شناخته نمی‌شد. ژانر وحشت به سرعت در تمام جهان گسترش یافت. هر کشور و قوم و آئینی، خرافه‌ها و افسانه‌های خود را داشت که حالا به لطف صنعت تصاویر متحرک می‌توانست روایت سینمایی بومی خود را ارائه دهد. تا برسیم به امروز که علاوه بر آمریکا، در ژاپن، کره، ایتالیا و تایلند هم سنت قدرتمندی در زمینه فیلم‌های وحشت ایجاد شده است. با وجود همه محدودیت‌ها در نمایش فیلم‌های ترسناک و گریزان بودن بخش قابل توجهی از توده مخاطب سینما از ژانر وحشت، برخی از فیلم‌های ترسناک به موفقیت‌های تجاری قابل توجهی دست یافته، بر جامعه هدف خود تاثیر عمیقی گذاشته و به شکل‌گیری نمادهای فرهنگی تازه‌ای دامن زده‌اند.

1. Nosferatu: A Symphony of Horror(1922)



شکل ۶. نمایی از فیلم فرانکشترین^۱

چرا بسیاری به ژانر وحشت علاقه مند هستند؟

جفری گلدشتاین^۲، استاد روانشناسی اجتماعی و سازمانی در هلند معتقد است افرادی که به دنبال خواندن کتاب های ژانر ترسناک هستند، در حقیقت می دانند که جایشان امن است. آن ها آموخته اند که این کتاب ها خطری برای آنها ندارد پس با امنیت خاطر به پای این آثار می نشینند. چیزی که بیشتر خوانندگان این ژانر به دنبال آن هستند هیجان است. آن ها معمولا افرادی با روحیه ماجراجویی هستند که با علم بر اینکه هیچ اتفاق بدی برای آنها نمی افتد به دنبال هیجان بیشتری هستند. برخی دیگر نمی توانند واقعی بودن یا نبودن این آثار را تخمین بزنند و گاهی آن را بیش از میزان واقعی تصور می کنند. این مسئله در کودکان جدی تر است. زیرا کودکان تجربه کمتری از زندگی را دارند برای همین برای آنها هر چیزی می تواند واقعی پنداشته شود. به همین دلیل است که بسیاری از داستان های غول و آدم خوارهای بزرگ اغلب کودکان را می ترسانند.

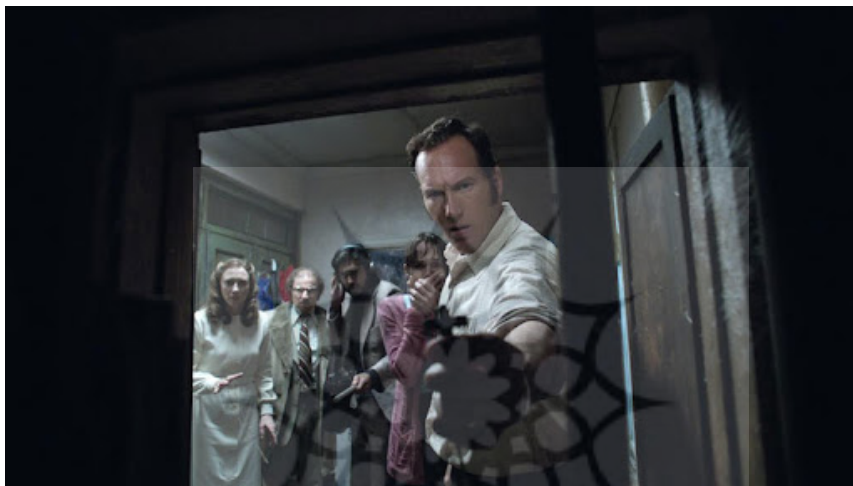


شکل ۷. نمایی از فیلم راهبه ۱

1. Frankenstein
2. Jeffrey Goldstein

ویژگی و عناصر تولید در ژانر وحشت

دیکشنری مطالعات سینمایی، فیلم ترسناک را موضوعاتی تاریک و آزاردهنده تعریف می‌کند که واکنش‌های ترس، وحشت، اشمئز، شگفتی، تعلیق و خوف را از مخاطب می‌گیرند. در کتاب «هالیوود از ویتنام تا ریگان»^۱، رابین وود^۲ منتقد سینما، در فصل «کابوس آمریکایی، وحشت در دهه ۷۰»^۳ نقطه مشترک فیلم‌های ترسناک را مورد تهدید قرار گرفتن زندگی عادی توسط یک هیولا تعیین کرد. نوئل کارول^۳ در کتاب «فلسفه وحشت یا تضاد در قلب»^۴، اضافه کرد که ترسیدن از هیولا در یک فیلم ترسناک باید لذت بخش باشد و به همین دلیل این ژانر محبوب است.



شکل ۸. نمایی از فیلم احضار ۲

جیکوب شلتون^۵ پژوهشگر سینمایی در یک مقاله تحقیقی به عوامل متعددی که تماشاگر سینما را می‌ترساند پرداخت و به نتایج رسید. او به عنصر «فضای منفی»^۶ اشاره کرد. در زیبایی‌شناسی هنر به فضاهای پیرامونی موضوع اصلی اثر هنری «فضای منفی» گفته می‌شود. فضایی که موضوع اصلی نیست و طراحی از قبل فکر شده‌ای هم ندارد اما گاهی (به ویژه در هنرهای تجسمی) ناخواسته خود به تشکیل فرم‌ها و فیگورهای می‌انجامد که با دقت قابل تشخیصند. «غافلگیری» دومین نکته مورد اشاره شلتون است. تغییر ناگهانی در تصویر و عناصر حاضر در قاب با کمک صداهای بلند و غیرمنتظره به غافلگیری تماشاگر و در نتیجه ایجاد تنش ذهنی در او منتهی می‌شود. شلتون از «آینه» به عنوان عنصر مطلوب ژانر وحشت یاد می‌کند. آینه‌ها به تصویر بُعد و عمق می‌بخشند و همین امر تنش ذهنی تازه‌ای در مخاطب به وجود می‌آورد. آینه از وسایل محبوب سینمای وحشت در صحنه و مقابل دوربین است

1. hollywood from vietnam to reagan
2. Robin Wood
3. Noel Carroll
4. Philosophy of Horror - Or, Paradoxes of the Heart
5. jacob shelton
6. Negative space

که امکانات متعددی برای فضاسازی و ایجاد حس هراس به تماشاگر فراهم می‌کند. «قاب‌های بسته» از دیگر تمهیدات سینمای وحشت است.



شکل ۹. نمایی از فیلم احضار ۲

در قاب‌های بسته و تصاویر محدود به اشیاء خاص بازهم می‌توان به ایجاد حس تعلیق دامن زد. شما با تماشای یک قاب بسته تصویر به این فکر می‌کنید که اگر دوربین عقب بکشد یا قاب و نمای متوسط یا نمای دور به شما بدهد، چه عناصری وجود دارند که در یک قاب بسته آن‌ها را نمی‌بینید. ندیدن آنچه خارج از یک نمای کلوزآپ ممکن است وجود داشته باشد تماشاگر سینما را همزمان کنجکاو و عصبی می‌کند. به‌ویژه اگر صورتی که قاب گرفته شده، احساسات متناقضی همچون هراس از دیدن چیزی خارج از کادر را منتقل کند. «موسیقی» یکی دیگر از عوامل مؤثر در ژانر وحشت است. موسیقی فیلم‌های ترسناک حسی از تهدید شدن و برهم خوردن آرامش را در مخاطب شکل می‌دهد.

تا قبل از عرضه فیلم دراکولا، گری دان رودز^۲ توضیح داد که عبارت «فیلم ترسناک» به عنوان یک ژانر مشخص شناخته نمی‌شد، هر چند که تا قبل از اکران فیلم دراکولا، منتقدان از واژه «وحشت» برای معرفی فیلم‌های دارای المان‌های وحشت استفاده می‌کردند. ژانر رازآلود بسیار مبهم بود و فیلم دراکولا نیز در ابتدا به عنوان یک فیلم رازآلود معرفی شد، هر چند که رمان برام استوکر^۳، نمایشنامه‌هایی که بر اساس آن نوشته شدند و حتی داستان فیلم، مضمون فراطبیعی داشتند. کیم نیومن^۴ در کتاب «مصاحبت با وحشت» عنوان کرد که فیلم‌های ترسناک در دهه ۳۰ میلادی، به راحتی قابل تشخیص بودند اما پس از این دهه، بارزهای این فیلم‌ها مبهم شدند و وحشت، از ژانر فاصله گرفت و به مضمون یا ابزاری برای زمینه‌سازی و پیشبرد داستان تبدیل شد.

1. Dracula(1931)
2. Gary Don Rhodes
3. Bram Stoker
4. Kim Newman



شکل ۱۰. نمایی از فیلم دکتر جکیل و آقای هاید^۱

تکنیک و مایه های ژانر وحشت

جیکوب شلتون در تحقیقی تمام راه‌هایی را که یک فیلم ترسناک طی می‌کند تا مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد و به بازی بگیرد، به شکلی دقیق بررسی کرد. «فضای منفی» یکی روش رایج در فیلم‌های ترسناک است که چشم مخاطب را فریب می‌دهد تا روی نقطه مشخصی تمرکز کند و متوجه تهدیدات دیگر در نما نشود. لحظات ترسناک ناگهانی یا «پرش ناشی از ترس»، یکی از رایج‌ترین کلیشه‌های فیلم‌های ترسناک است و شامل تصویری عمدتاً آزاردهنده و تهدید آمیز می‌شود که به صورت بسیار ناگهانی پدیدار می‌شود و غالباً با صدایی بلند و ناخوشایند همراه است. از این تکنیک برای خلق تنش استفاده می‌شود تا تماشاگر احساس ناراحتی و معذب بودن کند و ناگهان از جای خود بپرد (قربانی توسنلو و آذری، ۱۴۰۴).



شکل ۱۱. نمایی از فیلم هالووین^۲ از شخصیت قاتل سریالی مایکل مایرز^۳

1. Dr. Jekyll and Mr. Hyde(1941)
2. Halloween(2021)
3. Michael Myers

آینه‌ها نیز جایگاه خاصی در فیلم‌های ترسناک دارند و غالباً از آن‌ها برای خلق عمق بصری و تنش استفاده می‌شود. جیکوب شلتون معتقد است آینه‌ها آن قدر در فیلم‌های ترسناک به کار گرفته شده‌اند که تماشاگر با دیدن آن‌ها، به صورت ناخودآگاه احساس ناامنی می‌کند و انتظار اتفاقی ناگوار را ترسی ناگهانی را دارد. قاب‌بندی بسته و کلوزآپ نیز از دیگر المان‌های رایج فیلم‌های ترسناک هستند که با محدود کردن دید تماشاگر، به صورت ناخودآگاه و خودآگاه، باعث ایجاد تنش و اضطراب می‌شوند. مانند تمام ژانرهای سینمایی، موسیقی نیز بخشی جدانشدنی از یک فیلم وحشت است. در کتاب «موسیقی در فیلم ترسناک»، نیل لرنر می‌گوید که موسیقی در یک فیلم ترسناک، به صورت مداوم باعث ایجاد حس تهدید و خطر و ناامنی می‌شود و فضای فیلم را تشدید می‌کند. مطبوعیت، آتونالیته و آزادی عمل در تنظیم تمبر، از ویژگی‌های مشترک موسیقی متن فیلم‌های ترسناک هستند. در مطالعات ژانر، سه مایه اصلی را برای فیلم‌های ترسناک در نظر گرفته‌اند. «شخصیت»، «آخرالزمان» و «شیاطین». در وجه اول یعنی «شخصیت»، یک موجود هیولگونه در کانون پیرنگ اصلی روایت قرار می‌گیرد. مثلاً شخصیت «فرانکنشتین» که کارهای هولناکی چون تجاوز، سلاخی و قتل شنیع از او برمی‌آید. آلفرد هیچاک از اساتید این مایه ترسناک بود. او در فیلمی چون «روانی» شخصیتی روانپزشک و خطرناک خلق کرده بود که صورتی هولناک و غیرانسانی هم نداشت. وجه «آخرالزمانی» ژانر وحشت از هراس آدمی از وقایع طبیعی هولناک و مرگبار نشأت می‌گیرد. این وقایع می‌توانند ریشه در ژانر علمی / تخیلی داشته باشند یا منشأی طبیعی را معرفی کنند. مثل فیلم «پزندگان» هیچکاک که از هجوم پزندگان عامل ترس ساخت.



شکل ۱۲. نمایی از فیلم درخشش

در وجه «شیاطین» موجودات خیالی از سنت مناسک شیطانی، جادوگری و جن‌گیری بهره گرفته‌اند. فیلم‌هایی مثل «جن‌گیر» یا «طالع نحس» در این رده

می‌گنجند. برخی منتقدان به عوامل تازه‌ای که در دهه‌های اخیر به عامل هراس توده مخاطب سینما تبدیل شده‌اند اشاره می‌کنند. هراس از جنگ در ویتنام، هولوکاست، اپیدمی ایدز (امروز کرونا جدیدترین عامل این رویکرد است) و یا بیگانه‌هراسی ناشی از واقعه یازدهم سپتامبر از جمله مواردی است که منتقدان معاصر سینمایی به عوامل و عناصر ژانر وحشت افزوده‌اند.

چالش‌های ژانر وحشت در سینمای ایران

ساخت فیلم‌های ترسناک در ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به محدودیت‌های بودجه، نبود امکانات پیشرفته برای جلوه‌های ویژه و همچنین مسائل فرهنگی اشاره کرد. برخلاف سینمای غرب، که آزادانه‌تر می‌تواند به موضوعات فراطبیعی یا خشونت شدید بپردازد، در ایران قواعد فرهنگی و اجتماعی محدودیت‌هایی را برای سازندگان فیلم‌های ترسناک ایجاد می‌کند. با این وجود، فیلمسازان ایرانی تلاش کرده‌اند با تمرکز بر عناصر روان‌شناختی و استفاده از باورها و داستان‌های بومی، فضای وحشت را در فیلم‌های خود ایجاد کنند. فیلم‌هایی مانند ماهی و گربه (۱۳۹۲) با بهره‌گیری از تکنیک‌های نوآورانه و داستانی تعلیق‌آور توانسته‌اند مخاطبان را به دنیای پر از هراس وارد کنند، بدون نیاز به استفاده از خشونت یا جلوه‌های ویژه پیچیده.



شکل ۱۳. نمایی از فیلم ماهی و گربه

آینده ژانر وحشت در سینمای ایران

با پیشرفت تکنولوژی و افزایش علاقه مخاطبان به ژانرهای متفاوت، آینده ژانر ترس در سینمای ایران امیدوارکننده به نظر می‌رسد. نسل جدیدی از فیلمسازان ایرانی با بهره‌گیری از تکنیک‌های نوین فیلم‌سازی و الهام گرفتن از داستان‌های بومی و فرهنگی، می‌توانند ژانر ترس را در سینمای ایران به مرحله جدیدی برسانند. همچنین افزایش



حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی، باعث می‌شود که توجه بیشتری به این ژانر در ایران معطوف شود.

ادبیات مفهومی و تکمیلی

ژانر وحشت قابلیت ترکیب با اغلب ژانرهای سینمایی را دارد و در طول زمان از این ترکیب فیلم‌های تازه‌ای ساخته شد که به سختی می‌توان آنها را در یک ژانر مشخص دسته‌بندی کرد. اما زیرشاخه‌های شناخته شده و اصلی ژانر وحشت از این قرارند:

۱. وحشت جسمانی^۱: این زیرشاخه در دهه ۷۰ میلادی شکوفا شد و بیشتر به استحاله جسمی انسان می‌پردازد. این استحاله فیزیکی به نابودی یا دگردیسی کامل فرد می‌انجامد. فیلم‌های شاخص وحشت جسمانی، دیوید کراننبرگ «مگس» و جان کارپنتر «چیز» از مهم‌ترین فیلمسازان این گروه هستند؛

۲. وحشت اروتیک^۲: این زیرشاخه عمیقاً روانشناسانه به مرحله برانگیختگی جنسی بر اثر ترسیدن می‌پردازد و اغلب حسی سادومازوخیستی از رابطه را به تصویر می‌کشد. فیلم‌های شاخص وحشت اروتیک: فیلم‌هایی مثل «گندی من» و «بیگانه» از این رده هستند که بیشتر در سینمای آمریکا و فرانسه رواج دارد؛

۳. وحشت قومیتی^۳: این گونه فیلم‌ها از باورهای قومی، مذهبی و فرهنگی به عنوان عامل ترس بهره می‌گیرند. فیلم‌های شاخص وحشت قومیتی:

«مترسک» و «جادوگر» از جمله آثار شاخص این رویکرد محسوب می‌شوند؛

۴. فیلم‌های به جا مانده^۴: یکی از جدیدترین زیرشاخه‌های سینمای وحشت که می‌تواند تماشاگر خود را در موقعیت «اول شخص حاضر» در برابر عامل ترس قرار دهد. تصاویر ویدیویی و فیلمبرداری شده به جا مانده از دیگران و تصاویر دوربین‌های مداربسته محلی، دستمایه اصلی این زیرشاخه هستند. فیلم‌های شاخص زیرشاخه فیلم‌های به جا مانده: «رفتارهای غیرطبیعی» از جمله موفق‌ترین آثار این رده است؛

۵. وحشت گوتیک^۵: در واژه‌شناسی ادبی به رویکرد خودنمایانه و نمایشی در به تصویر کشیدن اماکن، اشخاص گوتیک گفته می‌شود. قصرهای باستانی برفراز تپه‌ها و اقامتگاه‌های متروکه قدیمی از جمله مکان‌های محبوب فیلم‌های گوتیک‌اند. فیلم‌های شاخص وحشت گوتیک: از جمله فیلم‌های موفق این زیرشاخه در سال‌های اخیر می‌توان به «استوکر» پارک چان ووک و «برو بیرون» جوردن پیل اشاره کرد؛

1. Body horror
2. Erotic Horror
3. Folk Horror
4. Found footage horror
5. Gothic

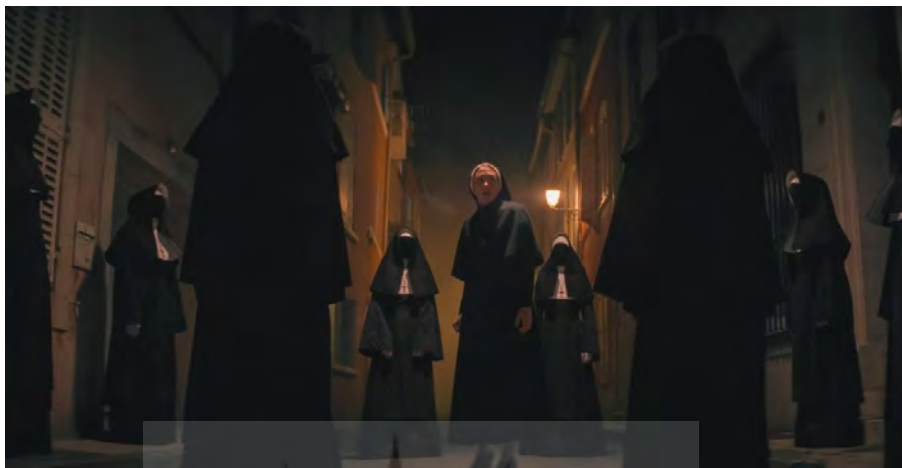
۶. وحشت طبیعی^۱: این گونه فیلم‌ها بر بستر طبیعت می‌گذرند و عامل ترس چیزهایی مثل حشرات جهش یافته یا حیوانات و گیاهان بی‌آزاری که به قاتلی خونسرد تبدیل می‌شوند است. «پرندگان» هیچکاک را به یاد آورید؛
۷. وحشت مذهبی^۲: این رده از فیلم‌های ترسناک خرافه‌های مذهبی (در ابتدا خرافه‌های آئین کاتولیک) را دستمایه ایجاد ترس قرار داده‌اند. شیاطین و اجنه‌ای که در برخی متون یا باورهای آیینی از آن‌ها یاد شده محور اصلی این گونه آثار هستند؛
۸. اسلشر یا سلاخی^۳: فیلم‌های اسلشر معمولاً شخصیت قاتلی را به تصویر می‌کشند که دیگران را با خشونت و اغلب با اشیاء تیز مثل اره، قمه، چاقو، شمشیر و ... می‌کشد؛
۹. موجودات ماوراءالطبیعه^۴: این زیرشاخه عامل ترس را برمبنای عناصری مثل ارواح، شیاطین، زندگی پس از مرگ یا جن زدگی بنا کرده است. مثل «جن‌گیر» یا «سینیستر»؛
۱۰. وحشت نوجوانان^۵: این گونه فیلم‌ها نوجوانان را در کانون روایت قرار می‌دهد و آن‌ها را قربانی می‌کند. فرایند نجات یا نابودی نوجوانان از عامل اصلی ترس دستمایه اصلی این آثار است؛
۱۱. وحشت روانشناسانه^۶: در این رده از فیلم‌های ژانر وحشت، شخصیت اصلی به لحاظ ذهنی، احساسی و روانشناسانه مورد تهدید، ترس و آسیب قرار می‌دهد. این رده از فیلم به لحاظ تماتیک نزدیکی‌های زیادی به تریلرهای روانشناسانه و یا برخی فیلم‌های رازآلود دارند.

چارچوب پژوهش

اهمیت و ضرورت بررسی بازنمایی گفتمان‌های دینی در ژانر وحشت، به‌ویژه در مجموعه فیلم‌های «احضار»، از چند جنبه حائز اهمیت است. نخست آنکه سینمای وحشت به عنوان یکی از پرمخاطب‌ترین ژانرهای سینمایی معاصر، تأثیر عمیقی بر فرهنگ عامه و نگرش‌های اجتماعی دارد (Nelson, 2022). این تأثیر زمانی دوچندان می‌شود که مفاهیم دینی و اعتقادی در قالب ترس و هراس به مخاطب عرضه می‌شوند. بررسی این فرایند می‌تواند نشان دهد که چگونه رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی به باورهای مذهبی جوامع نقش ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، در عصر حاضر که شاهد کاهش نفوذ نهادهای سنتی دین هستیم، سینما به‌ویژه ژانر وحشت به عرصه‌ای برای بازتعریف مفاهیم دینی تبدیل شده است (Morărașu, & Culea, 2024). مجموعه «احضار» با

1. Natural horror
2. Religious horror
3. Slasher
4. Supernatural
5. Teen horror
6. Psychological

تمرکز بر مقولاتی مانند تسخیر، جن‌گیری و نبرد خیر و شر، نمونه‌ای بارز از این پدیده به‌شمار می‌رود. مطالعه این بازنمایی‌ها می‌تواند به درک بهتر ما از تحولات معنوی در جوامع مدرن کمک کند.



شکل ۱۴. نمایی از فیلم راهبه ۲

از منظر جامعه‌شناختی، ترس به‌عنوان یکی از قوی‌ترین ابزارهای کنترل اجتماعی همیشه مورد توجه نهادهای قدرت بوده است (Bivins, 2008). در این میان، دین و سینمای وحشت هر دو از این ابزار بهره می‌برند. بررسی نحوه همپوشانی این دو حوزه می‌تواند نشان دهد که چگونه گفتمان‌های دینی در قالب‌های جدیدی بازتولید می‌شوند. این مسئله به‌ویژه در جوامعی که با بحران هویت مذهبی روبرو هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سینمای وحشت به‌عنوان یکی از پرطرفدارترین ژانرهای سینمایی معاصر، همواره بازتابی از دغدغه‌های عمیق فرهنگی و مذهبی بشر بوده است. در این میان، مجموعه فیلم‌های «احضار» با تلفیق عناصر ترسناک و مفاهیم دینی مسیحیت، نمونه‌ای بارز از این تعامل محسوب می‌شود (وحیدنیا و همکاران، ۱۴۰۱). این آثار نه تنها از نظر تجاری موفق بوده‌اند، بلکه تأثیر فرهنگی عمیقی بر نگرش مخاطبان نسبت به مفاهیمی مانند شیطان، نجات و امر مقدس گذاشته‌اند.

در بعد زیبایی‌شناختی، تحلیل فیلم‌های «احضار» از این جهت حائز اهمیت است که این مجموعه از تکنیک‌های سینمایی پیشرفته‌ای برای القای حس تقدس و ترس توأمان استفاده می‌کند (Nakamura, 2024). مطالعه این تکنیک‌ها نه تنها به درک بهتر زبان سینمایی کمک می‌کند، بلکه نشان می‌دهد چگونه مفاهیم انتزاعی دینی می‌توانند در قالب تصاویر ملموس تجسم یابند. این مسئله برای پژوهشگران حوزه رسانه و ارتباطات می‌تواند بسیار ارزشمند باشد. از منظر مطالعات جنسیت، بازنمایی بدن زنانه در این فیلم‌ها به‌عنوان عرصه نبرد نیروهای خیر و شر، نیازمند بررسی عمیق‌تری است (Slank-er, 2017). این بازنمایی‌ها نه تنها بازتابی از باورهای تاریخی درباره زنان هستند، بلکه

می‌توانند در تقویت یا تضعیف کلیشه‌های جنسیتی نقش داشته باشند. تحلیل این جنبه می‌تواند به درک بهتر رابطه بین دین، جنسیت و رسانه کمک شایانی کند.



شکل ۱۵. نمایی از فیلم احضار ۲

در حوزه الهیات و مطالعات دینی، بررسی فیلم‌های «احضار» از این جهت اهمیت دارد که این آثار بازتعریف خاصی از مفاهیمی مانند شیطان، گناه و رستگاری ارائه می‌دهند (فیلیپس و براکوی^۱، ۲۰۲۵). این بازتعریف‌ها ممکن است با آموزه‌های رسمی دینی تفاوت داشته باشد و مطالعه این تفاوت‌ها می‌تواند به درک بهتر تحولات الهیاتی در عصر حاضر کمک کند. از منظر روانشناسی اجتماعی، تأثیر این قبیل فیلم‌ها بر نگرش مخاطبان نسبت به مفاهیم دینی نیازمند بررسی است (Toulassi, 2025). این که چگونه تجربه ترس ناشی از تماشای این فیلم‌ها می‌تواند بر باورهای مذهبی افراد تأثیر بگذارد، پرسشی است که پاسخ به آن می‌تواند برای روانشناسان دین و متخصصان رسانه مفید باشد.

همچنین، مطالعه این موضوع از آن جهت ضروری است که می‌تواند الگویی برای بررسی سایر آثار مشابه در سینمای جهان ارائه دهد (Doiron, 2023). در شرایطی که تولید فیلم‌های ترسناک با مضامین دینی روندی رو به رشد دارد، ارائه چارچوبی نظری برای تحلیل این آثار می‌تواند به غنای مطالعات سینمایی و دین‌پژوهی کمک کند. این پژوهش می‌تواند مبنایی برای مطالعات تطبیقی در سایر فرهنگ‌های دینی نیز قرار گیرد. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی بازنمایی آموزه‌های مسیحی در قالب ژانر وحشت است.

1. Phillips & Brockway(2025)



شکل ۱۶. نمایی از فیلم آنابل ۳

با وجود مطالعاتی مانند کار رحمانی و همکاران (۱۴۰۳) که به تحلیل تکنیک‌های سینمایی پرداخته‌اند یا پژوهش ابوالحسنی و همکاران (۱۴۰۳) که به بررسی مفاهیم متافیزیکی توجه کرده‌اند، هنوز تحلیل جامعی از سازوکارهای گفتمانی حاکم بر این بازنمایی‌ها صورت نگرفته است. این خلاء پژوهشی به ویژه در بررسی تعامل پیچیده بین سینما، دین و فرهنگ مشهود است. اهمیت این مطالعه در آن است که مجموعه «احضار» را نه صرفاً به عنوان محصولی سرگرمی‌ساز، بلکه به مثابه رسانه‌ای برای انتقال و بازتولید گفتمان‌های دینی در عصر مدرن تحلیل می‌کند. پرسش محوری این است که چگونه این فیلم‌ها از طریق تکنیک‌های سینمایی و روایت‌های خود، مفاهیم مذهبی را در قالبی جدید و متناسب با ذائقه مخاطب امروزی بازتعریف می‌کنند. پاسخ به این پرسش می‌تواند درک بهتری از نقش رسانه‌های عامه‌پسند در شکل‌دهی به باورهای دینی ارائه دهد.

سوالات پژوهش

۱. آموزه‌های مسیحی (شیطان، دعا، نجات) چگونه در احضار بازنمایی می‌شوند؟
۲. این بازنمایی‌ها چه گفتمان‌هایی درباره ایمان، بدن، و قدرت ایجاد می‌کنند؟
۳. ژانر وحشت چگونه به بازتولید گفتمان دینی در عصر سکولار کمک می‌کند؟

چارچوب نظری (دین، وحشت و گفتمان)

رابطه دین و ترس در دنیای غرب

از قرون وسطی تاکنون، مسیحیت از ترس به عنوان ابزاری برای تثبیت گفتمان اخلاقی استفاده کرده است. چارچوب نظری این پژوهش بر سه محور اصلی استوار است: رابطه تاریخی دین و ترس، نظریه‌های گفتمان، و نشانه‌شناسی سینمایی. از دیدگاه تاریخی، مسیحیت همواره از ترس به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم دینی استفاده

کرده است (Bivins, 2008). کلیسای قرون وسطی با به تصویر کشیدن عذاب‌های جهنم و مجازات‌های الهی، ترس را به مکانیسمی برای کنترل اجتماعی تبدیل کرد. این سنت در دوران مدرن به ژانر وحشت راه یافته است، جایی که مفاهیمی مانند گناه، شیطان و رستگاری در قالب‌های جدیدی بازنمایی می‌شوند.

نظریه گفتمان فوکو (۱۹۷۵) ابزار تحلیلی قدرتمندی برای بررسی این پدیده فراهم می‌آورد. از این منظر، گفتمان‌های دینی در فیلم‌های ترسناک نه تنها بازتاب باورهای مذهبی، بلکه سازوکارهایی برای اعمال قدرت هستند. وقتی فیلمی مانند «احضار» بدن زنانه را به عرصه نبرد خیر و شر تبدیل می‌کند، در واقع در حال بازتولید گفتمان‌های تاریخی درباره پاکدامنی، گناه و کنترل بدن است. این فرایند را می‌توان با مفهوم «زیست قدرت» فوکو توضیح داد. نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۹۵) نیز به درک چگونگی ساخت معنا در این فیلم‌ها کمک می‌کند. این رویکرد سه سطح تحلیل متنی، تحلیل فرایند تولید و تحلیل اجتماعی را دربرمی‌گیرد. در سطح متنی، می‌توان بررسی کرد که چگونه نشانه‌های دینی (صلیب، آب مقدس، دعا) در فیلم‌های «احضار» به کار گرفته می‌شوند. در سطح تولید، باید به انگیزه‌های سازندگان و نهادهای مرتبط توجه کرد. در سطح اجتماعی نیز می‌توان تأثیر این بازنمایی‌ها را بر باورهای عمومی تحلیل نمود.

نظریه پردازانی مانند اتو (۱۹۱۷) و کریستوا (۱۹۸۲) رابطه بین امر مقدس و امر وحشت‌آور را تئوریزه کرده‌اند. اتو در کتاب «مفهوم امر مقدس»، ترس را به عنوان یکی از عناصر اصلی تجربه دینی معرفی می‌کند. از این منظر، ترس ناشی از تماشای فیلم‌هایی مانند «احضار» می‌تواند نوعی تجربه نیمه‌دینی محسوب شود. کریستوا نیز با مفهوم «امر تهوع‌آور» نشان می‌دهد که چگونه نگرانی‌های دینی درباره پاکی و ناپاکی در ژانر وحشت بازنمایی می‌شوند. نشانه‌شناسی سینمایی رویکرد دیگری است که به تحلیل این فیلم‌ها کمک می‌کند. مؤلفه‌هایی مانند نورپردازی کم‌رنگ، استفاده از رنگ‌های متضاد (سیاه و سفید به عنوان نماد خیر و شر)، موسیقی آوازی مذهبی و زوایای دوربین خاص، همگی در خدمت انتقال مفاهیم دینی هستند (ناکامورا، ۲۰۲۴). این عناصر سینمایی در مجموعه «احضار» به گونه‌ای طراحی شده‌اند که حس تقدس و ترس را همزمان القا کنند.

لاکلاو و موفه (۱۹۸۵) با ارائه نظریه گفتمان رادیکال، ابزاری برای تحلیل تقابل‌های دوتایی در این فیلم‌ها فراهم می‌کنند. در مجموعه «احضار»، تقابل‌هایی مانند خیر/شر، ایمان/بی‌ایمانی، پاکی/ناپاکی به طور مداوم بازتولید می‌شوند. این تقابل‌ها صرفاً توصیفی نیستند، بلکه ماهیتی سیاسی دارند و در خدمت تثبیت هژمونی گفتمان‌های خاصی قرار می‌گیرند. در نهایت، این چارچوب نظری با تلفیق رویکردهای گفتمانی و نشانه‌شناختی، امکان تحلیل چندسطحی از فیلم‌های «احضار» را فراهم می‌آورد. این تحلیل نه تنها به محتوای دینی فیلم‌ها می‌پردازد، بلکه سازوکارهای فرهنگی‌ای را بررسی می‌کند که از طریق آنها مفاهیم مذهبی در عصر حاضر بازتعریف و بازتولید می‌شوند. چنین رویکردی می‌تواند

الگویی برای بررسی سایر آثار مشابه در ژانر وحشت دینی ارائه دهد.

نظریه‌های گفتمان

نظریه‌های گفتمان ابزارهای تحلیلی ضروری برای واکاوی لایه‌های معنایی پنهان در متون رسانه‌ای مانند فیلم‌های ترسناک محسوب می‌شوند. میشل فوکو (۱۹۷۲) گفتمان را نظامی از دانش می‌داند که هم واقعیت‌ها را می‌سازد و هم محدوده آنچه قابل بیان است را تعیین می‌کند. در تحلیل فیلم‌هایی مانند «احضار»، این دیدگاه نشان می‌دهد چگونه گفتمان مسیحی از طریق روایت‌های سینمایی، «حقیقت» خود درباره شیطان، نجات و بدن را طبیعی جلوه می‌دهد. فوکو به ویژه با مفهوم «زیست‌قدرت» توضیح می‌دهد که چگونه نهادها از طریق کنترل بدن‌ها و ذهن‌ها به اعمال قدرت می‌پردازند - مکانیسمی که در صحنه‌های تسخیر و جن‌گیری این فیلم‌ها به وضوح قابل مشاهده است.

نورمن فرکلاف (۱۹۹۵) با توسعه «تحلیل گفتمان انتقادی»، چارچوبی سه‌بعدی برای بررسی متون رسانه‌ای ارائه می‌دهد. در سطح اول، تحلیل متنی به بررسی ویژگی‌های زبانی و نشانه‌شناختی می‌پردازد - مثلاً چگونه دیالوگ‌های مذهبی و نمادهای دینی در «احضار» چیده شده‌اند. سطح دوم، تحلیل فرایند تولید، به شرایط تولید و دریافت متن توجه دارد؛ از نیت کارگردان گرفته تا نقش استودیوهای فیلمسازی در شکل‌دهی به گفتمان فیلم. سطح سوم، تحلیل گفتمان به عنوان کنش اجتماعی، تأثیرات گسترده‌تر فرهنگی این بازنمایی‌ها را بررسی می‌کند. این رویکرد چندسطحی امکان درک جامع‌تری از پیچیدگی‌های گفتمانی در سینمای وحشت دینی فراهم می‌آورد.

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه (۱۹۸۵) با تأکید بر ماهیت سیاسی بازنمایی‌ها، به تحلیل ما بعدی ایدئولوژیک می‌افزاید. این نظریه پردازان با مفهوم «هژمونی» نشان می‌دهند که چگونه گفتمان‌های مسلط از طریق به حاشیه راندن گفتمان‌های رقیب تثبیت می‌شوند. در مجموعه «احضار»، این را می‌توان در تقابل‌های دوتایی آشکار مانند مؤمن/کافر، پاک/ناپاک، و مقدس/اهریمنی مشاهده کرد. لاکلاو و موفه همچنین بر «تعیین‌ناپذیری» معنا تأکید دارند - این ایده که هیچ گفتمانی کاملاً بسته نیست و همواره امکان مقاومت و بازتعریف وجود دارد. این دیدگاه برای تحلیل نحوه تفسیر متفاوت فیلم‌های «احضار» توسط مخاطبان با پیشینه‌های فرهنگی و مذهبی مختلف بسیار ارزشمند است.

جدول ۳. متغیرهای پژوهش

شماره	موضوع	جزئیات
۱	فوکو	قدرت از طریق گفتمان‌های دینی و بدن‌های اهریمنی اعمال می‌شود
۲	فرکلاف	بازنمایی‌های رسانه‌ای، معنای اجتماعی می‌سازند
۳	لاکلاو موفه	گفتمان‌ها همواره در حال تقابل و بازتعریف هستند

در جدول ذیل نظریه‌های گفتمان مطرح شده‌اند:

جدول ۴. مقایسه نظریه‌های گفتمان در تحلیل فیلم‌های ترسناک دینی

نظریه‌پرداز	مفهوم محوری	کاربرد در تحلیل فیلم‌های ترسناک دینی (مثل «احضار»)	مثال در فیلم‌های «احضار»
میشل فوکو	قدرت از طریق گفتمان و کنترل بدن	تحلیل نحوه‌ای که گفتمان‌های دینی، بدن‌ها را به ابژه‌های کنترل تبدیل می‌کنند.	صحنه‌های تسخیر که در آنها بدن قربانی (اغلب زنانه) به عرصه نبرد خیر و شر تبدیل می‌شود.
نورمن فرکلاف	بازنمایی رسانه‌ای و ساخت معنا	بررسی چگونگی ساخت معنا‌های دینی از طریق نشانه‌ها، دیالوگ‌ها و روایت‌های فیلم.	استفاده از نمادهایی مانند صلیب، آب مقدس و دعا برای تقویت گفتمان مسیحی.
لاکلاو و موفه	تقابل و بازتعریف گفتمان‌ها	تحلیل کشمکش بین گفتمان‌های مختلف (مثل دین / علم، ایمان / ترس) و تغییر معناها در بافت‌های مختلف.	تقابل بین کشیش‌ها (نماد دین) و روانپزشکان (نماد علم) در تفسیر پدیده‌های ماوراءطبیعی.

مطابق با جدول، کاربرد نظریه‌ها، در ذیل خلاصه شده است:

فوکو و تحلیل قدرت در گفتمان دینی

فوکو بر این تأکید دارد که قدرت از طریق گفتمان‌ها اعمال می‌شود و بدن انسان را تحت کنترل درمی‌آورد. در فیلم‌های ترسناک دینی مانند «احضار»، این نظریه کمک می‌کند تا بفهمیم چرا بدن قربانی (معمولاً یک زن) به صحنه‌ای برای نبرد بین نیروهای الهی و شیطانی تبدیل می‌شود. مثال: در «احضار ۲»، بدن «جانث» توسط ارواح خبیثه تسخیر می‌شود و تنها کلیسا و آیین‌های دینی می‌توانند او را نجات دهند. این صحنه‌ها نشان می‌دهند که چگونه گفتمان مذهبی، بدن را به موضوعی برای اعمال قدرت تبدیل می‌کند.

فرکلاف و ساخت معنا در رسانه

فرکلاف معتقد است که رسانه‌ها از طریق بازنمایی، معنا‌های اجتماعی می‌سازند. در تحلیل «احضار»، می‌توان بررسی کرد که چگونه فیلم‌سازان از نمادهای مذهبی (مثل صلیب، کتاب مقدس، دعا) برای تقویت این ایده استفاده می‌کنند که تنها ایمان می‌تواند بر شیطان غلبه کند. مثال: در صحنه‌ای از «احضار»، لورن وارن با خواندن دعا و استفاده از صلیب، ارواح خبیثه را دور می‌کند. این صحنه‌ها به مخاطب القا می‌کنند که نمادهای دینی، تنها سلاح در برابر شر هستند.

لاکلاو و موفه و کشمکش گفتمان‌ها

این دو نظریه‌پرداز معتقدند که گفتمان‌ها همیشه در حال رقابت و بازتعریف هستند. در «احضار»، می‌توان دید که چگونه گفتمان مذهبی با گفتمان علمی (مثل روانپزشکی) در تضاد قرار می‌گیرد. مثال: در برخی صحنه‌ها، پزشکان سعی می‌کنند پدیده‌های ماوراءطبیعی را با توضیحات علمی رد کنند، اما در نهایت، کلیسا و ایمان

هستند که حقیقت را آشکار می‌سازند. این تقابل، نشان‌دهنده نبرد همیشگی بین دو گفتمان است. این جدول بالا و توضیحات نشان می‌دهند که چگونه نظریه‌های گفتمان می‌توانند برای تحلیل فیلم‌های ترسناک دینی به کار روند. هر نظریه، زاویه‌ای متفاوت برای فهم رابطه بین دین، قدرت و رسانه ارائه می‌دهد. این چارچوب می‌تواند برای تحلیل سایر آثار مشابه در ژانر وحشت دینی نیز استفاده شود

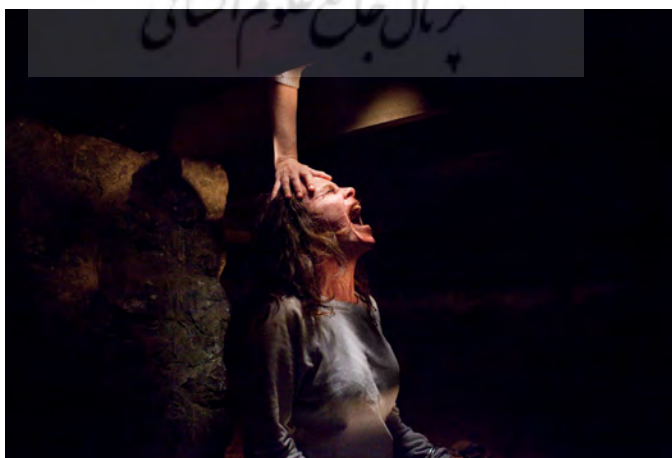
فوکو → کنترل بدن از طریق گفتمان دینی

فرکلاف → ساخت معناهاى مذهبی در فیلم

لاکلاو و موفه → رقابت بین گفتمان‌های مختلف (دین vs علم)

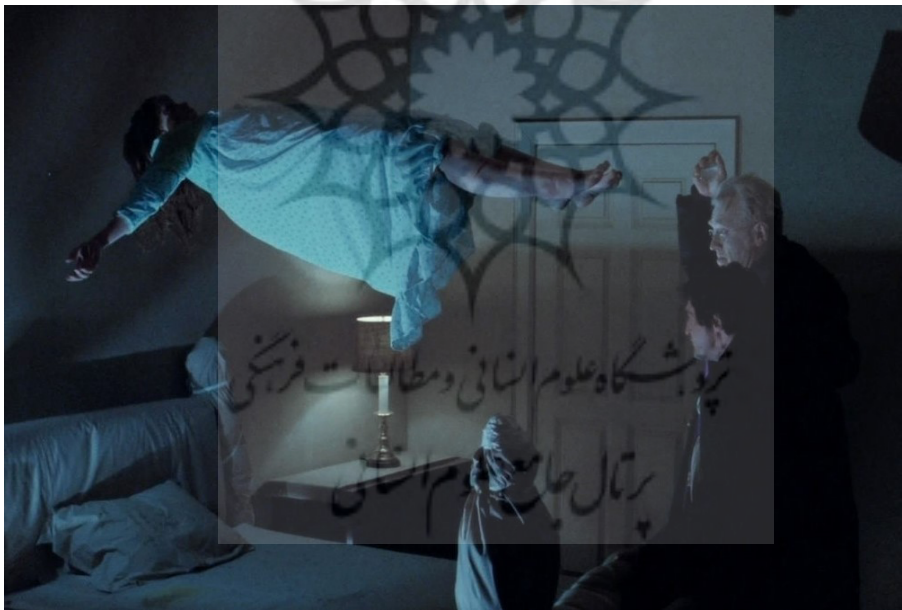
امر مقدس و امر وحشت‌آور

رابطه میان امر مقدس و امر وحشت‌آور از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. سوزان لانگر (۱۹۴۲) و رادولف اتو (۱۹۱۷) با بررسی ماهیت تجربه دینی، نشان داده‌اند که ترس و تقدس دو روی یک سکه هستند. اتو در اثر کلاسیک خود «مفهوم امر مقدس»، ترس را بخش جدایی‌ناپذیر از مواجهه با امر متعالی می‌داند. این دیدگاه به خوبی در مجموعه فیلم‌های «احضار» تجسم یافته است، جایی که ترس ناشی از مواجهه با نیروهای شیطانی، در عین حال نوعی تجربه معنوی ایجاد می‌کند. این تقارن میان وحشت و تقدس، هسته مرکزی زیبایی‌شناسی این فیلم‌ها را تشکیل می‌دهد. مجموعه «احضار» با محوریت فعالیت‌های اد و لورین وارن - شکارچیان شیاطین واقعی - جهان سینمایی منسجمی خلق کرده است. از اولین قسمت این فرنچایز در سال ۲۰۱۳ تا فیلم‌های جانبی مانند «آنابل» (۲۰۱۴) و «راهبه» (۲۰۱۸)، همه در حال بسط و توسعه همین جهان روایی هستند. ویژگی منحصر به فرد این مجموعه، تلفیق عناصر واقع‌گرایانه با خیال‌پردازی ترسناک است که بر اساس پرونده‌های واقعی وارن‌ها ساخته شده‌اند. این رویکرد باعث ایجاد حس باورپذیری خاصی در مخاطب می‌شود که بر شدت تأثیر فیلم‌ها می‌افزاید.



شکل ۱۷. نمایی از فیلم احضار ۱ در مراسم جن‌گیری

از لحاظ سبک‌شناسی سینمایی، «احضار» از تکنیک‌های خاصی برای ایجاد فضایی همزمان مقدس و وحشت‌آور استفاده می‌کند. نورپردازی کم‌رنگ و سایه‌های سنگین، بیننده را در فضایی مرموز و ناامن غرق می‌کند. استفاده مکرر از نمادهای مسیحی مانند صلیب، آب مقدس و کتاب انجیل، به صحنه‌ها بعدی آیینی می‌بخشد. موسیقی این فیلم‌ها نیز با ترکیب ملودی‌های آوازی مذهبی و صداهای ناموزون و هراس‌انگیز، دوگانگی ترس و تقدس را به شیوه‌ای خلاقانه بیان می‌کند. این عناصر در کنار هم، زبان بصری و صوتی منحصر به فردی برای این فرنچایز خلق کرده‌اند. تحلیل گفتمانی آموزه‌های مسیحی در این فیلم‌ها نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم الهیاتی در قالب سینمایی بازنمایی می‌شوند. دوگانه خیر و شر در «احضار» با وضوح کامل به تصویر کشیده شده است، به طوری که شیطان به عنوان «دیگری» مطلق (بر اساس نظریه فوکو) نمایانده می‌شود. این تقابل دوگانه‌انگارانه، گفتمان سنتی مسیحیت درباره نبرد همیشگی میان نیروهای الهی و شیطانی را تقویت می‌کند. در این میان، بدن انسان - و به ویژه بدن زنانه - به میدان نبرد این نیروها تبدیل می‌شود که با نظریه کریستوا درباره «امر تهوع‌آور» و ارتباط آن با زنانه‌سازی شر قابل تحلیل است.



شکل ۱۸. نمایی از فیلم جن‌گیری ۱ در مراسم دعا خوانی

نقش جنسیت در این گفتمان‌ها بسیار حائز اهمیت است. از یک سو، شخصیت لورین وارن به عنوان زنی مقدس و مقاوم در برابر شیطان تصویر می‌شود که الگویی از ایمان و شجاعت ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، بسیاری از قربانیان تسخیر در این فیلم‌ها زنان هستند که بدن‌شان به عرصه‌ای برای نمایش نبرد معنوی تبدیل می‌شود. این دوگانگی، همزمان که کلیشه‌های جنسیتی سنتی را تقویت می‌کند، امکان بازتعریف نقش زنان در گفتمان دینی را نیز فراهم می‌آورد. آیین‌های جن‌گیری در این فیلم‌ها نیز

به نمایشی از قدرت نهاد کلیسا تبدیل می‌شوند که بر اساس نظریه فوکو می‌توان آنها را نمونه‌ای از اعمال زیست‌قدرت دانست.

در بستر فرهنگی پسامدرن، بازنمایی ایمان در «احضار» معنای جدیدی پیدا می‌کند. ترس در این فیلم‌ها نه تنها به عنوان عنصری سرگرمی‌ساز، بلکه به مثابه نوعی تجربه دینی عرضه می‌شود. این رویکرد را می‌توان واکنشی به بحران معنویت در عصر مدرن دانست که در آن مخاطب به دنبال تجربه‌های معنوی جدید است. مقایسه «احضار» با آثار کلاسیک مانند «جن‌گیر» (۱۹۷۳) نشان می‌دهد که چگونه گفتمان دینی در ژانر وحشت متحول شده است. عرفان‌گرایی در سینمای معاصر، به ویژه در قالب فیلم‌های ترسناک دینی، نشان‌دهنده تمایل به بازگشت امر قدسی در قالبی جدید و متناسب با ذائقه مخاطب امروزی است. سوزان لانگر (۱۹۴۲) و رادولف اتو (۱۹۱۷) بر ارتباط ترس و تجربه دینی تأکید دارند.



شکل ۱۹. نمایی از فیلم جن‌گیر ۲

چارچوب نظری این پژوهش بر سه پایه اصلی استوار است: رابطه تاریخی دین و ترس، نظریه‌های گفتمان، و نشانه‌شناسی سینمایی. از دیدگاه تاریخی، مسیحیت همواره از ترس به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم دینی استفاده کرده است. کلیسای قرون وسطی با به تصویر کشیدن عذاب‌های جهنم و مجازات‌های الهی، ترس را به مکانیسمی برای کنترل اجتماعی تبدیل کرد. این سنت در دوران مدرن به ژانر وحشت راه یافته است، جایی که مفاهیمی مانند گناه، شیطان و رستگاری در قالب‌های جدیدی بازنمایی می‌شوند.

نظریه گفتمان فوکو ابزار تحلیلی قدرتمندی برای بررسی این پدیده فراهم می‌آورد. از این منظر، گفتمان‌های دینی در فیلم‌های ترسناک نه تنها بازتاب باورهای مذهبی، بلکه سازوکارهایی برای اعمال قدرت هستند. نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف نیز به درک چگونگی ساخت معنا در این فیلم‌ها کمک می‌کند. این رویکرد سه سطح تحلیل متنی، تحلیل فرایند تولید و تحلیل اجتماعی را دربرمی‌گیرد. نظریه پردازانی مانند

اتو و کریستوا رابطه بین امر مقدس و امر وحشت‌آور را تئوریزه کرده‌اند. اتو در کتاب «مفهوم امر مقدس»، ترس را به عنوان یکی از عناصر اصلی تجربه دینی معرفی می‌کند. نشانه‌شناسی سینمایی رویکرد دیگری است که به تحلیل این فیلم‌ها کمک می‌کند. مؤلفه‌هایی مانند نورپردازی کم‌رنگ، استفاده از رنگ‌های متضاد، موسیقی آوازی مذهبی و زوایای دوربین خاص، همگی در خدمت انتقال مفاهیم دینی هستند. لاکلاو و موفه با ارائه نظریه گفتمان رادیکال، ابزاری برای تحلیل تقابل‌های دوتایی در این فیلم‌ها فراهم می‌کنند. در مجموعه «احضار»، تقابل‌هایی مانند خیر/شر، ایمان/بی‌ایمانی، پاکی/ناپاکی به طور مداوم بازتولید می‌شوند. این چارچوب نظری با تلفیق رویکردهای گفتمانی و نشانه‌شناختی، امکان تحلیل چندسطحی از فیلم‌ها را فراهم می‌آورد.

در چارچوب نظری این پژوهش، رابطه دین و ترس بر اساس دیدگاه‌های تاریخی و فلسفی تحلیل می‌شود. از منظر تاریخی، مسیحیت از ترس به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم دینی و کنترل اجتماعی استفاده کرده است (Bivins, 2008). این رویکرد در سنت کلیسای قرون وسطی با نمایش عذاب‌های جهنم و مجازات‌های الهی تثبیت شد و در دوران معاصر، با انتقال به ژانر وحشت، مفاهیمی مانند گناه، شیطان و رستگاری را در قالبی جدید بازتولید کرده است. این پیوند تاریخی نشان می‌دهد که ترس نه تنها یک ابزار تربیتی، بلکه بخشی از گفتمان دینی غرب بوده است.

نظریه‌های گفتمان، به‌ویژه آرای فوکو (۱۹۷۲)، درک ما از سازوکارهای قدرت در این فیلم‌ها را عمق می‌بخشد. فوکو با طرح «زیست‌قدرت»، نشان می‌دهد که چگونه گفتمان‌های دینی از طریق کنترل بدن‌ها اعمال می‌شوند (فوکو، ۱۹۷۵). در مجموعه «احضار»، این سازوکار در صحنه‌های تسخیر بدن قربانیان به‌ویژه بدن‌های زنانه به وضوح قابل مشاهده است؛ جایی که نهادهای دینی با تعریف بدن به عنوان عرصه نبرد خیر و شر، به بازتولید گفتمان‌های سنتی درباره پاکی، گناه و کنترل می‌پردازند.

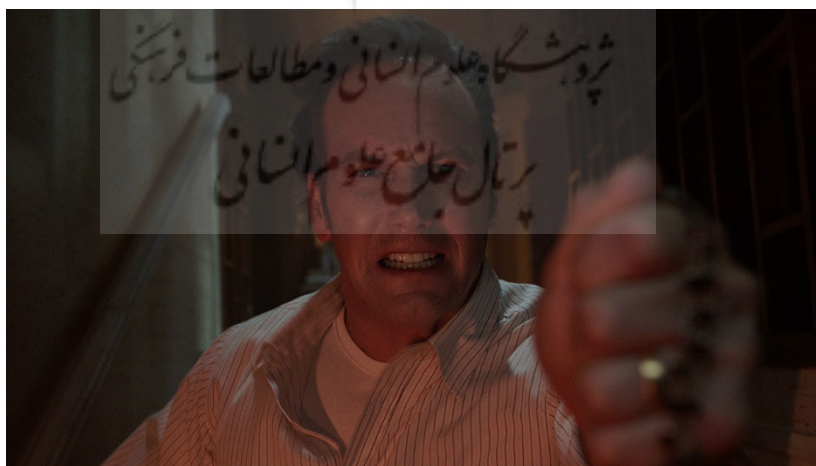
از منظر نشانه‌شناسی سینمایی، این فیلم‌ها با استفاده از نمادها و تکنیک‌های تصویری، همزمان هم حس تقدس و هم حس وحشت را القا می‌کنند (Nakamura, 2024). نورپردازی کم‌رنگ، استفاده از نمادهایی مانند صلیب و آب مقدس، و موسیقی آوازی مذهبی، در کنار صداها ناموزون، به ایجاد فضایی دوسویه هم مقدس و هم هراس‌انگیز کمک می‌کنند. این تقابل، درک پیچیده‌ای از امر متعالی ارائه می‌دهد که با نظریه اتو (۱۹۱۷) درباره هم‌زیستی ترس و تقدس در تجربه دینی همسو است.

در نهایت، نظریه گفتمان رادیکال لاکلاو و موفه (۱۹۸۵) به تحلیل تقابل‌های دوتایی در این آثار می‌پردازد. در مجموعه «احضار»، تقابل‌هایی مانند خیر/شر، ایمان/بی‌ایمانی و پاکی/ناپاکی نه تنها ساختار روایی فیلم را شکل می‌دهند، بلکه در جهت تثبیت هژمونی گفتمان‌های خاص عمل می‌کنند. این تقابل‌ها همچنین امکان بازتعریف و مقاومت در برابر گفتمان مسلط را فراهم می‌سازند و نشان می‌دهند که معنا همواره در حال ساخته و بازساخته شدن است.

معرفی فیلم احضار

این فرنچایز شامل فیلم‌هایی مانند «راهبه و آنابل» است که همگی حول فعالیت‌های «اد و لورین وارن» شکارچیان شیاطین واقعی می‌چرخند. یکی از بارزترین ویژگی‌های سبکی مجموعه «احضار»، استفاده هوشمندانه از نورپردازی کم‌رنگ و سایه‌های عمیق است که فضایی پرتنش و هراس‌انگیز خلق می‌کند. این تکنیک نه تنها بر حس ترس و دلهره می‌افزاید، بلکه به صورت نمادین بر تقابل نور و تاریکی به عنوان نماینده خیر و شر تأکید دارد. صحنه‌هایی که در آن تنها نور شمع یا نور ضعیف پنجره‌ها فضای اتاق را روشن می‌کند، به خوبی این ویژگی را نمایش می‌دهند و بیننده را در فضایی میان واقعیت و ماوراء قرار می‌دهند.

نمادهای مسیحی مانند صلیب، آب مقدس و کتاب انجیل به کرات در این فیلم‌ها به کار گرفته شده‌اند و هر کدام بار معنایی عمیقی دارند. این نمادها نه تنها به عنوان ابزارهای نجات بخش در نبرد با نیروهای شیطانی عمل می‌کنند، بلکه به صورت زیرمتنی بر هویت مسیحی شخصیت‌ها و جهان‌بینی حاکم بر داستان تأکید می‌ورزند. نحوه نمایش این نمادها - مثلاً تابش نور بر صلیب در لحظات حساس - بر اهمیت و قدرت آن‌ها در روایت داستان می‌افزاید. موسیقی در مجموعه «احضار» نقشی فراتر از همراهی تصاویر دارد و به خودی خود روایتگر مفاهیم عمیق‌تر است. استفاده از آوازهای مذهبی به زبان لاتین در پس‌زمینه صحنه‌های ترسناک، تضاد جالبی بین تقدس و وحشت ایجاد می‌کند. این تکنیک موسیقایی نه تنها فضای صحنه را از حالت معمول یک فیلم ترسناک خارج می‌کند، بلکه به روایت بعدی معنوی و دینی می‌بخشد که خاص این مجموعه است.



شکل ۲۰. نمایی از فیلم احضار ۳

ترکیب این سه عنصر سبکی - نورپردازی، نمادگرایی و موسیقی - زبان بصری و شنیداری منحصر به فردی برای مجموعه «احضار» خلق کرده است. این ویژگی‌ها

در کنار هم نه تنها بر کیفیت ترسناک فیلم می‌افزایند، بلکه آن را از یک فیلم ترسناک صرف به اثری با عمق معنایی بیشتر ارتقا می‌دهند. این ترکیب هوشمندانه باعث شده «احضار» در ژانر خود متمایز باشد و تأثیر ماندگاری بر مخاطب بگذارد. نکته جالب توجه در این تکنیک‌های سبکی، نحوه تعامل آن‌ها با محتوای دینی فیلم است. نورپردازی تاریک نه فقط برای ترساندن مخاطب، بلکه برای نمایش نمادین نبرد نور و تاریکی استفاده می‌شود. نمادهای مذهبی نه به صورت تصنعی، بلکه به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از روایت حضور دارند. موسیقی مذهبی نیز نه صرفاً برای ایجاد حس تقدس، بلکه به عنوان سلاحی در نبرد با نیروهای شیطانی به کار گرفته می‌شود. این یکپارچگی سبک و محتوا از مجموعه «احضار» اثری منسجم و تأثیرگذار ساخته است.

تحلیل گفتمانی آموزه‌های مسیحی

۱. دوگانه خیر/شر

شیطان به مثابه «دیگری» کامل نمایش داده می‌شود (فوکو، ۱۹۷۵). در مجموعه «احضار»، تقابل خیر و شر در قالب یک دوگانه مطلق و غیرقابل مصالحه به تصویر کشیده می‌شود. شیطان به عنوان «دیگری» کامل (فوکو، ۱۹۷۵) نمایانده می‌شود که هیچ ویژگی انسانی ندارد و صرفاً تجسمی از شر محض است. این بازنمایی، گفتمان سنتی مسیحیت را درباره نبرد ابدی بین نیروهای الهی و شیطانی تقویت می‌کند و هرگونه امکان گفتگو یا تعامل بین این دو قطب را نفی می‌نماید. شخصیت‌های مثبت فیلم نیز عمدتاً به عنوان سربازان مسیح تصویر می‌شوند که مأموریت دارند در این نبرد مقدس شرکت کنند.



شکل ۲۱. نمایی از فیلم راهبه ۱

این دوگانه‌انگاری در سراسر فیلم‌های مجموعه «احضار» به شیوه‌های مختلفی تجلی می‌یابد. از طریق نورپردازی (تضاد نور و تاریکی)، ترکیب بندی تصویر (قرارگیری شخصیت‌ها در دو سوی قاب) و حتی طراحی صدا (موسیقی ملائکتی در مقابل نعره‌های شیطانی)، این تقابل به شکلی ملموس به مخاطب منتقل می‌شود. چنین

نمایشی نه تنها بر دراماتیک بودن داستان می‌افزاید، بلکه گفتمان مذهبی خاصی را نیز ترویج می‌کند که در آن مرزهای اخلاقی کاملاً مشخص و تغییرناپذیر تصویر می‌شوند.

۲. بدن زنانه به عنوان میدان نبرد

زن‌انگاری شر (مطابق نظریه کریستوا درباره «امر تهوع‌آور»). در مجموعه «احضار»، بدن زنانه به عرصه‌ای نمادین برای نبرد کیهانی خیر و شر تبدیل می‌شود. این بازنمایی با نظریه «امر تهوع‌آور» کریستوا (۱۹۸۲)، همخوانی دارد که در آن بدن زن به مثابه مرز بی‌ثبات بین پاکی و ناپاکی مفهوم پردازی می‌شود. فیلم‌ها با نمایش فرآیند تسخیر زنان توسط نیروهای شیطانی، بدن آنان را به صحنه‌ای برای نمایش ترس‌های جمعی درباره جنسیت، قدرت و مرزهای انسانی تبدیل می‌کنند.



شکل ۲۲. نمایی از فیلم احضار ۲

این تصویرسازی دوگانه‌ای از زنانگی ارائه می‌دهد: از یک سو قربانیان آسیب‌پذیر تسخیر و از سوی دیگر شخصیت‌هایی مانند لورن وارن که به عنوان مدافعان ایمان ظاهر می‌شوند. چنین بازنمایی‌هایی نه تنها بازتولید کلیشه‌های تاریخی درباره ارتباط زنان با امر ماوراءطبیعی است، بلکه نشان می‌دهد چگونه گفتمان‌های مذهبی می‌توانند از بدن زنان به عنوان ابژه‌ای برای بیان مفاهیم دینی استفاده کنند. این رویکرد، بدن زنانه را به مکانی برای نمایش بحران‌های معنوی و اخلاقی تبدیل می‌کند.



شکل ۲۳. نمایی از فیلم جنگیر ۲

۳. جنسیت و تقدس

لورین وارن به مثابه زن مقدس مقاوم در برابر شیطان. لورین وارن در مجموعه «احضار» به عنوان الگویی پیچیده از زن مقدس معاصر بازنمایی می‌شود که نقش سنتی زنانگی را در گفتمان دینی بازتعریف می‌کند. برخلاف کلیشه‌های رایج که زنان را صرفاً به عنوان قربانیان منفعل نیروهای شیطانی به تصویر می‌کشند، لورین وارن با ترکیب ویژگی‌های شهود زنانه و دانش دینی تخصصی، عاملیت فعالی در نبرد با شر از خود نشان می‌دهد. این بازنمایی، زن را نه به عنوان موجودی ضعیف که نیازمند نجات، بلکه به عنوان فاعلی قدرتمند در عرصه مبارزه معنوی معرفی می‌کند.



شکل ۲۴. نمایی از فیلم احضار

شخصیت پردازی لورین وارن در عین حال که از نمادهای سنتی تقدس زنانه (مانند مهربانی، فداکاری و اخلاق‌مداری) بهره می‌برد، این ویژگی‌ها را با قدرت روحانی و دانش تخصصی در الهیات و علوم ماوراءطبیعه ترکیب می‌کند. این تلفیق هوشمندانه، تصویر جدیدی از زن مقدس در سینمای معاصر ارائه می‌دهد که هم از سنت‌های مذهبی الهام می‌گیرد و هم با ارزش‌های فمینیستی معاصر سازگار است. لورین وارن به عنوان زنی که هم نقش همسر و مادر را ایفا می‌کند و هم به عنوان متخصص برجسته در امور ماوراءطبیعی فعالیت دارد، الگویی است که می‌تواند همزمان با مخاطبان مذهبی و سکولار ارتباط برقرار کند.

۴. قدرت آیین‌ها

مراسم جن‌گیری به عنوان نمایی از قدرت کلیسا. در مجموعه «احضار»، آیین‌های جن‌گیری به مثابه نمایی نمادین از اقتدار نهاد دین در جهان مدرن به تصویر کشیده می‌شوند. این مراسم پیچیده که با جزئیات دقیق و تشریفات خاص به نمایش گذاشته

می‌شوند، نه تنها به عنوان ابزاری برای نجات فرد تسخیرشده، بلکه به عنوان نمایشی از مشروعیت و قدرت کلیسا عمل می‌کنند. صحنه‌های جن‌گیری با ترکیب عناصری مانند دعا‌های لاتین، استفاده از اشیای مقدس و اجرای تشریفات خاص، نوعی تأثیر دینی خلق می‌کنند که بر حقانیت نهاد مذهبی در مواجهه با نیروهای شیطانی تأکید می‌ورزد.



شکل ۲۵. نمایی از فیلم احضار ۱

این بازنمایی از آیین‌ها، کارکردی دوگانه دارد: از یک سو به عنوان مکانیسمی برای اعمال قدرت نمادین (به تعبیر بوردیو) عمل می‌کند که سلطه گفتمان دینی را طبیعی جلوه می‌دهد، و از سوی دیگر به عنوان پاسخی سینمایی به نیاز مخاطب معاصر برای تجربه‌ای عینی از امر مقدس. فیلم با نمایش دقیق این مراسم - از پوشش رسمی کشیش‌ها تا واکنش‌های جسمانی فرد تسخیرشده - نوعی باورپذیری خلق می‌کند که در آن قدرت نهاد دین به صورت ملموس و عینی به نمایش گذاشته می‌شود. این صحنه‌ها به طور ضمنی این پیام را منتقل می‌کنند که در جهانی آکنده از نیروهای شر، تنها نهادهای سنتی دین می‌توانند نظم را بازگردانند.

بازنمایی ایمان در پسامدرنیسم

در جهان پسامدرن که مرزهای بین امر مقدس و عرفی در حال محو شدن است، مجموعه «احضار» ترس را به تجربه‌ای شبه‌دینی تبدیل می‌کند. برخلاف فیلم کلاسیک «جن‌گیر» (۱۹۷۳) که رویکردی خطی و قطعی به نبرد خیر و شر داشت، «احضار» با بهره‌گیری از ابهام و پیچیدگی‌های روایی، تجربه‌ای متناسب با ذهنیت مخاطب پسامدرن خلق می‌کند. در اینجا ترس نه صرفاً به عنوان هیجانی منفی، بلکه به مثابه دریچه‌ای برای مواجهه با امر متعالی بازنمایی می‌شود - گویی در جهانی که نهادهای سنتی دین اقتدار سابق را ندارند، سینما به معبد جدیدی برای تجربه‌های معنوی بدل شده است. سینمای معاصر شاهد گرایش فزاینده‌ای به عرفان‌گرایی و بازگشت به امر قدسی در قالب‌های جدید بوده است. مجموعه «احضار» با تلفیق عناصر ترسناک و فراطبیعی با

مضامین عمیق مذهبی، پاسخی به این نیاز معنوی مخاطب معاصر است. این فیلم‌ها از یک سو با ارائه روایت‌های ساده‌انگارانه از نبرد خیر و شر، نیاز به قطعیت را ارضا می‌کنند و از سوی دیگر با استفاده از تکنیک‌های سینمایی پیچیده و چندلایه، فضایی مناسب برای تفسیرهای معنوی مختلف فراهم می‌آورند. چنین رویکردی نشان‌دهنده تحولی در بازنمایی دین در سینماست که در آن ایمان نه به عنوان مجموعه‌ای از عقاید ثابت، بلکه به مثابه تجربه‌ای شخصی و عاطفی عرضه می‌شود.



شکل ۲۶. نمایی از فیلم احضار ۲

بحث و نتیجه‌گیری

احضار گفتمان مسیحی را از طریق ژانر وحشت احیا می‌کند. این بازنمایی‌ها نه تنها ترس را به ایمان گره می‌زنند، بلکه به بازتعریف رابطه دین و فرهنگ عامه کمک می‌کنند. تحلیل مجموعه فیلم‌های «احضار» از منظر گفتمان دینی و نشانه‌شناسی فرهنگی، نشان می‌دهد که این آثار صرفاً محصولاتی سرگرمی‌ساز نیستند، بلکه رسانه‌هایی پیچیده برای بازتولید و بازتعریف مفاهیم مذهبی در عصر حاضر محسوب می‌شوند. این فیلم‌ها با بهره‌گیری از عناصر ترس و تقدس، توانسته‌اند گفتمان سنتی مسیحیت را در قالبی جدید و جذاب برای مخاطبان امروزی عرضه کنند. تقابل خیر و شر، که هسته مرکزی این روایت‌ها را تشکیل می‌دهد، نه تنها بازتابی از آموزه‌های دینی کهن است، بلکه پاسخگوی نیازهای معنوی انسان معاصر نیز هست. ویژگی منحصر به فرد «احضار» در مقایسه با سایر آثار ژانر وحشت دینی، ایجاد تعادلی ظریف میان واقع‌گرایی و خیال‌پردازی است. با استناد به پرونده‌های واقعی وارن‌ها و استفاده از تکنیک‌های سینمایی مستندگونه، این فیلم‌ها توانسته‌اند حس باورپذیری عمیقی در مخاطب ایجاد کنند.



شکل ۲۷. نمایی از فیلم راهبه ۲

این رویکرد، تأثیر گفتمان دینی را در ذهن بیننده تقویت می‌کند، به طوری که مرز بین واقعیت و تخیل در تجربه تماشاگر محو می‌شود. چنین ویژگی‌ای، «احضار» را از یک فرنچایز سینمایی صرف فراتر برده و به پدیده‌ای فرهنگی تبدیل کرده است. نقش بدن، به ویژه بدن زنانه، در این فیلم‌ها حائز اهمیت ویژه‌ای است. بدن در «احضار» تنها یک ابژه ترس نیست، بلکه عرصه‌ای نمادین برای نبردهای ایدئولوژیک و گفتمانی محسوب می‌شود. این نگاه دوگانه که از یک سو بدن زن را آسیب‌پذیر و مستعد تسخیر نشان می‌دهد و از سوی دیگر زنانی مقدس چون لورین وارن را به عنوان ناجی معرفی می‌کند، بازتابی از تنش‌های تاریخی در گفتمان مسیحیت درباره جایگاه زنان است. چنین بازنمایی‌هایی اگرچه ممکن است کلیشه‌ای به نظر برسند، اما در عین حال امکان بازاندیشی درباره نقش جنسیت در روایت‌های دینی را نیز فراهم می‌آورند. آیین‌ها و نمادهای مذهبی در «احضار» تنها عناصری تزئینی نیستند، بلکه کارکردی گفتمانی و قدرت‌ساز دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



شکل ۲۸. نمایی از فیلم آنابل ۲

مراسم جن‌گیری، استفاده از صلیب و آب مقدس، و خواندن دعاها، همگی نمایشی از قدرت نهاد دین در مقابله با نیروهای شیطانی هستند. این نمایش قدرت، صرفاً جنبه دراماتیک ندارد، بلکه تلویحاً بر حقانیت و ضرورت وجود نهادهای دینی در جهان مدرن تأکید می‌کند. در جهانی که به ظاهر عقلانی و سکولار شده است، «احضار» با احیای این آیین‌ها، نوعی حس نوستالژیک برای بازگشت به امر قدسی ایجاد می‌کند. در بستر فرهنگی پسامدرن، «احضار» را می‌توان پاسخی به بحران معنویت دانست. این فیلم‌ها با تبدیل ترس به تجربه‌ای شبه‌دینی، نیاز مخاطب امروز به امر متعالی را در قالبی جدید برآورده می‌سازند. برخلاف نهادهای سنتی دین که ممکن است برای بسیاری جذابیت خود را از دست داده باشند، سینمای وحشت با زبان تصویری قدرتمند و روایت‌های جذاب، توانسته است مفاهیم دینی را بازتعریف کند. این فرایند نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های عامه‌پسند می‌توانند به بازتولید معنویت در اشکال جدید بپردازند.

تأثیر فرهنگی «احضار» فراتر از سینماست و به حوزه‌های مختلف فرهنگ عامه نفوذ کرده است. این فرنچایز نه تنها بر سایر آثار سینمایی تأثیر گذاشته، بلکه نحوه نگرش مخاطبان به پدیده‌های ماوراءطبیعی را نیز شکل داده است. چنین تأثیری نشان می‌دهد که سینمای ترسناک دینی تا چه اندازه می‌تواند در بازتعریف باورها و ارزش‌های جمعی نقش داشته باشد. در عین حال، این موفقیت تجاری و فرهنگی، سؤالات مهمی درباره مسئولیت اخلاقی سازندگان آثار رسانه‌ای در قبال باورهای عمومی ایجاد می‌کند.



شکل ۲۹. نمایی از فیلم احضار

در نهایت، مطالعه مجموعه «احضار» پنجره‌ای است به درک رابطه پیچیده بین دین، رسانه و فرهنگ در جهان معاصر. این فیلم‌ها نشان می‌دهند که چگونه مفاهیم کهن دینی می‌توانند در قالب‌های جدید فرهنگی احیا شوند و چگونه ژانر وحشت می‌تواند به رسانه‌ای برای بیان مسائل وجودی انسان تبدیل شود. تحلیل

این پدیده نه تنها برای منتقدان سینما، که برای پژوهشگران مطالعات فرهنگی، الهیات و جامعه‌شناسی نیز حاوی بینش‌های ارزشمندی است. «احضار» به ما یادآوری می‌کند که حتی در عصر فناوری و عقلانیت، انسان‌ها همچنان به دنبال پاسخ‌هایی برای پرسش‌های قدیمی درباره‌ی خیر و شر، معنویت و رستگاری هستند.

نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه فیلم‌های «احضار» صرفاً به عنوان محصولات سرگرمی‌ساز عمل نمی‌کنند، بلکه به مثابه «متون الهیاتی معاصر» عمل کرده و گفتمان مسیحی را در قالبی نوین و متناسب با ذائقه مخاطب پسامدرن بازتولید می‌کنند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که این فیلم‌ها با استفاده هوشمندانه از تلفیق «ترس و تقدس»، نوعی «تجربه شبه‌دینی» خلق می‌کنند که فقدان امر قدسی در جامعه سکولار امروز را جبران می‌نماید. این رویکرد، کارکردی دوگانه دارد: از یک سو با ارائه روایتی ساده‌شده از تقابل خیر و شر، به نیاز مخاطب برای معناجویی پاسخ می‌دهد و از سوی دیگر با عینی‌سازی مفاهیم انتزاعی دینی، آنها را در دسترس مخاطب عام قرار می‌دهد.

نکته مهم و جدیدی که این پژوهش به آن دست یافته، آشکارسازی «الگوی نوین انتقال مفاهیم دینی از طریق رسانه‌های فرهنگ مردمی است. برخلاف نهادهای سنتی مذهبی که اقتدار خود را از بالا اعمال می‌کنند، فیلم‌های «احضار» با ایجاد «دیالوگ گفتمانی» با مخاطب، او را به مشارکت فعال در فرآیند معناسازی دعوت می‌کنند. این یافته از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد چگونه سینمای عامه‌پسند می‌تواند به عرصه‌ای برای «بازتعریف مدرن از امر قدسی» تبدیل شود و نقش غیرمستقیم اما مؤثری در اشاعه گفتمان‌های دینی در عصر حاضر ایفا نماید.

در پایان می‌توان دریافت که مجموعه فیلم‌های «احضار» صرفاً یک فرنچایز ترسناک موفق نیست، بلکه به یک دستگاه گفتمانی مؤثر تبدیل شده است. این فیلم‌ها با احیای روایت کلاسیک نبرد خیر و شر در قالبی مدرن، نشان می‌دهند که چگونه مفاهیم کهن الهیاتی می‌توانند از طریق رسانه‌های عامه‌پسند بازتولید و بازتعریف شوند. قدرت این مجموعه نه در ترساندن مخاطب، که در طبیعی جلوه دادن یک جهان بینی دینی خاص و ارائه آن به عنوان تنها راه حل ممکن در برابر آشوب و هراس است.

بدن انسان، به‌ویژه بدن زنانه، در این دستگاه گفتمانی به صحنه‌ای نمادین بدل می‌شود. این بدن دیگر تنها یک موجودیت زیستی نیست، بلکه به عرصه‌ای برای نمایش قدرت، کنترل و نبردهای ایدئولوژیک تبدیل می‌گردد. صحنه‌های تسخیر که در آن‌ها بدن قربانیان در آستانه فروپاشی قرار می‌گیرد، در واقع استعاره‌ای است از جامعه‌ای که بنیادهای معنایی سنتی خود را از دست داده و در جست‌وجوی نجات‌بخشی نوین است.

نمادهای دینی در این فیلم‌ها نقش واسطه‌های معنا‌ساز را ایفا می‌کنند. صلیب، آب مقدس و دعاها از جایگاه نمادهای مذهبی صرف فراتر رفته و به ابزارهای نمایشی

قدرتمندی تبدیل می‌شوند که مرز بین واقعیت و بازنمایی را محو می‌سازند. این نمادها نه تنها در صحنه‌های دراماتیک کارکرد دارند، بلکه به مخاطب این حس را القا می‌کنند که گویی تماشاگر یک آیین زنده دینی است، آیینی که در آن تقدس و ترس در هم می‌آمیزند.

در دنیای امروز که مرجعیت نهادهای سنتی دین با چالش مواجه شده، سینمای وحشت به عرصه‌ای بدل شده است برای تجربه‌اندوزی معنوی. مجموعه «احضار» با ارائه ترسی آیینی شده، پاسخی به نیاز معنوی انسان معاصر ارائه می‌دهد؛ نیاز به تجربه امر متعالی، حتی اگر این تجربه از مسیر هراس و وحشت صورت پذیرد. این فیلم‌ها نشان می‌دهند که چگونه سینما می‌تواند به فضایی برای بازتعریف ایمان در عصر جدید تبدیل شود.

در نهایت، موفقیت گفتمانی این مجموعه در همین نهفته است که توانسته مفاهیم پیچیده الهیاتی را به زبانی تصویری و قابل درک برای مخاطب عام تبدیل کند. این فرایند نه تنها بر پویایی گفتمان دینی در عصر حاضر دلالت دارد، بلکه نشان می‌دهد که سینما به عنوان یک رسانه قدرتمند، چگونه می‌تواند در شکل‌دهی به برداشت‌های جمعی از مفاهیمی همچون ایمان، شر و رستگاری نقش ایفا کند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- ابوالحسنی، کیانا و صفورا، محمدعلی و امیرحسین ندائی (۱۴۰۳). بررسی جهان بعد از مرگ در سینمای ژانر وحشت از نظر ادیان.
- رحمانی، فرزاد و مهدوی، سید هادی و سوده عشقی (۱۴۰۳). نقش فتورنی در ایجاد سوسپانس و سوپرایز در انیمیشنهای ژانر وحشت: تحلیل ابعاد بصری، اکسیدنت و ایونت های روانشناختی، دومین کنفرانس بین المللی مطالعات هنر، فرهنگ و رسانه.
- وحیدنیا، سپیده، میرانی، ارسطو و یحیی صباغچی (۱۴۰۱). نقش روح القدس در تاسیس کلیسای متقدم و بر ساخت هویت دینی مسیحی (بر اساس عهد جدید). پژوهشنامه ادیان، ۱۶ (۳۱)، ۲۲۵-۲۴۹.
- قربانی توسنلو، امیرعلی و غلامرضا آذری (۱۴۰۴). تحلیل بازنمایی فوبیاهای بنیادین در تاریخ بشر: بررسی روانشناختی نمادها در مجموعه فیلم های احضار در ژانر، مجله اختلالات جنسی و روانشناختی، ۳(۲).
- Aboulhasani, K., Safoura, M. A., & Nedaei, A. H. (2024). An examination of the afterlife in horror cinema from the perspective of world religions. **[In Persian]**
- Bivins, J. C. (2008). Religion of fear: The politics of horror in conservative evangelicalism. Oxford University Press.
- Doiron, Z. (2023). Possession, Politics, and Patriotism: The Influence of Christian Nationalism and Evangelical Horror Tropes on The Conjuring and The Conjuring 2. *The Journal of Religion and Popular Culture*, 35(3), 119-135.
- Ghorbani Tousanlou, A. A., & Azari, G. (2025). Analyzing the representation of fundamental human phobias: A psychological examination of symbols in The Conjuring film series. *Journal of Sexual and Psychological Disorders*, 3(2). **[In Persian]**
- Jacobs, M. A. (2025). On Magic & Miracles: A Theological Guide to Discerning Fictional Magic. B&H Publishing Group.
- MacDonald, M. (2024). Gods wall to wall: gods in fantasy 1989-2020 (Doctoral dissertation, Anglia Ruskin Research Online (ARRO)).
- Morărașu, N. N., & Culea, M. (2024). Exploring the Language of Suffering and Redemption through Discursive Manifestations of the Religious in Film Reviews. *Cultural Perspectives. Journal for Literary & British Cultural Studies in Romania*, (29).
- Nakamura, H. (2024). The Construction of Religious Symbolic Spaces and the Generation of Psychological Fear in The Conjuring Series. *Art and Society*, 3(6), 8-17.
- Nelson, B. C. (2022). Possessed: New Horror Films in the Era of Neoliberalism.
- Phillips, W., & Brockway, M. (2025). The Shadow Gospel: How Anti-liberal Demonology Possessed US Religion, Media, and Politics. MIT Press.
- Pratiwi, R. D., & Ardiyanti, H. (2025). Comparative semiotic analysis of satanic symbolism in Longlegs: A study in horror narratives. *Jurnal Ilmu Komunikasi UHO*, 10(2), 423-435.
- Rahmani, F., Mahdavi, S. H., & Eshghi, S. (2024). The role of photogenic in creating suspense and surprise in horror animations: An analysis of visual dimensions, accidents, and psychological events. In *Second International Conference on Art, Culture, and Media Studies*. **[In Persian]**
- Slanker, L. (2017). Demonic Possession and Fractured Patriarchies in Contemporary Fundamental Horror.
- Stone, B. P. (2025). Witches, Witchcraft, Paganism, and Folk Magic. In *Christianity and Horror Cinema* (pp. 50-83). Routledge.

Toulassi, B. (2025). Overcoming the Fear of Demons and Evil Spirits Among African Christians: Enhancing Salvation (Master's thesis, Regent University).

Vahidinia, S., Mirani, A., & Sabbaghchi, Y. (2022). The role of the Holy Spirit in the establishment of the early Church and the construction of Christian religious identity (based on the New Testament). *Journal of Religious Studies*, 16(31), 225-249. **[In Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

